شاپای چاپی: ۲۲۲۸-۵۸۹X
شاپای الکترونیکی: ۲۶۴۵-۷۱۴۸

نشریه علمی

معماری و شهرسازی ایران

بهار و تابستان ۱۴۰۰ دوره ۱۲ / شماره ۱

www.isau.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران
(JIAU)
شاپای چاپی ۲۲۲۸-۵۸۹X
شاپای الکترونیکی ۲۶۴۵-۷۱۴۸

دو فصلنامه معماری و شهرسازی ایران نشریه علمی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران است که در راستای مستند سازی و تقویت پژوهش های مرتبط با حوزه های معماری، معماری منظر، برنامه ریزی شهری، طراحی شهری، مرمت بافت و ابنیه، طراحی صنعتی و حوزه‌های وابسته، در پائیز ۱۳۸۹ با مجوز شماره ۳/۲۱۱۰۰۳ مدیر کل دفتر سیاست‌گذاری و برنامه ریزی امور پژوهشی، "علمی-پژوهشی" شناخته شده و اولین شماره آن منتشر شد. این نشریه بنابر آیین نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۲ به شماره ۱۱/۲۵۶۸۵ وزارت علوم تحقیقات و فناوری با عنوان"نشریه علمی" شناخته می شود.

اهداف نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران

- ایجاد و ارتقای بستری مناسب برای تبادل علم و دانش در حوزه های معماری، شهرسازی، هنر و طراحی صنعتی
- مستند سازی و تقویت پژوهش های مرتبط با حوزه های معماری و شهرسازی
- مطلع نمودن کارشناسان و پژوهشگران حوزه های معماری و شهرسازی از جدیدترین یافته و دستاوردهای روز ایران و جهان

محورهای موضوعی نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران

- معماری (معماری منظر، معماری پایدار، تکنولوژی و انرژی در معماری، آموزش معماری)
- تاریخ هنر
- شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، طراحی شهری، مدیریت شهری)
- مرمت و حفاظت بافت، ابنیه و اشیا
- طراحی صنعتی (طراحی محصول، پژوهش هنر)

سیاست انتشار نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران

مقالات ارسالی برای این نشریه به صورت دوسویه ناشناس داوری می‌شوند و پس از داوری و موافقت هیئت تحریریه به چاپ خواهند رسید.

برای تسهیل استفادهٔ دانشجویان، پژوهشگران و متخصصان و ارتباط گسترده‌تر با جهان و متخصصان بین‌المللی، نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران امکان دسترسی آزاد و رایگان به تمامی مقالات را در سایت اینترنتی مجله فراهم کرده است.

این نشریه با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیتهٔ اخلاق در انتشار (COPE) می‌باشد و از آیین نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.

صاحب امتیاز: انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران
مدیر مسئول: دکتر محسن فیضی
سردبیر: دکتر مصطفی بهزادفر

هیأت تحریریه داخلی (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر ایرج اعتصام، استاد دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مصطفی بهزادفر، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر مهدی خاک‌زند، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر داراب دیبا، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر محسن فیضی، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر یوسف گرجی مهلبانی، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)
دکتر اصغر محمد مرادی، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر حامد مظاهریان، دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
دکتر فرهنگ مظفر، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
دکترهاشم‌هاشم‌نژاد، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

هیأت تحریریه بین الملل (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر رحمان آذری، دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه پنسیلوانیا، آمریکا
دکتر احسان شریفی، دانشیار، دانشگاه آدلاید، استرالیا
دکتر ایوب شریفی، دانشیار، دانشگاه هیروشیما، ژاپن
دکترمحمد طالقانی، دانشیار، دانشگاه لیدز، انگلستان
دکترپاملا کریمی، دانشیار، دانشگاه ماساچوست، آمریکا

مدیر تحریریه: دکتر مهدی خاک‌زند
کارشناس تحریریه: مهندس آناهیتا طبائیان

نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران
(JIAU)

شاپای چاپی ۲۲۲۸-۵۸۹X
شاپای الکترونیکی ۲۶۴۵-۷۱۴۸

دوره ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

ویراستار فارسی: انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران

ویراستار انگلیسی: مهندس سعاد صریحی

طراح صفحه‌بندی و جلد: مهندس آناهیتا طبائیان

صفحه‌آرایی و فرمتینگ: الهام منتی محب

تیراژ: ۵۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

چاپ: دانشگاه علم و صنعت ایران

نشانی نشریه: تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، طبقه سوم، دفتر انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران.

کدپستی: ۱۶۸۴۶-۱۳۱۱۴

تلفن: ۷۳۲۲۸۲۳۵-۰۲۱

دورنگار: ۷۷۲۴۰۴۶۸-۰۲۱

نشانی الکترونیکی: iaau@iust.ac.ir

سایت و سامانه الکترونیکی نشریه انجمن: https://www.isau.ir

مقالات چاپ شده لزوماً نقطه نظرات نشریه نبوده و مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان محترم است.

این شماره با حمایت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران به چاپ رسیده است.

راهنمای نویسندگان

از نویسندگان محترم جهت انتخاب نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران برای انتشار اثر علمی ایشان، صمیمانه سپاسگزاریم. خواهشمند است جهت تسریع در مراحل داوری و انتشار، با دقت راهنمای نویسندگان را مطالعه بفرمایید.

۱- مقاله باید حاصل کار علمی و پژوهشی بوده و قبلاً در نشریه دیگری اعم از داخلی یا خارجی و یا مجموعه مقالات سمینارها و مجامع علمی چاپ نشده و یا همزمان برای نشریه دیگری ارسال نشده باشد.

۲- صرفا مقاله پژوهشی در مجله مورد ارزیابی قرار می گیرد و مقالات مروری نیز از نویسندگان مجرب و پیشکسوت معماری و شهرسازی در زمینه نظری برابر اهداف و چشم انداز مجله پذیرفته می‌شود.

۳- مقالات باید صرفاً از طریق سایت مجله به آدرس https://www.isau.ir ارسال شوند. به مقالاتی که از طریق ایمیل یا به‌صورت چاپی به مجله ارسال شوند ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- مسئولیت صحت و سقم مقاله به لحاظ حقوقی و علمی بر عهده نویسندگان است. دوفصلنامه علمی "معماری و شهرسازی ایران" حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد.

۵- مقالاتی که خارج از حوزه اهداف مجله ارسال شوند، بدون داوری و با نظر سردبیر یا گروه دبیران مجله، از فرایند ارزیابی خارج خواهند شد.

۶- زبان رسمی نشریه فارسی است و مقاله باید دارای انشایی روان و از نظر دستور زبان و آیین نگارش فارسی خالی از اشکال بوده و سقف تعداد صفحات ۱۷ صفحه می باشد(بدون احتساب صفحه چکیده و منابع).

۷- در گروه نویسندگان حتما یک عضو هیات علمی باید وجود داشته باشد.

۸- مشخصات نویسنده / نویسندگان به‌جز در صفحه جداگانه ای با عنوان مشخصات نویسندگان، نباید در هیچ قسمت دیگری از مقاله ذکر شود.

۹- از هر نویسنده تنها یک مقاله در فرآیند داوری قرار می‌گیرد و ارسال مقاله دوم تنها زمانی میسر است که مقاله اول تعیین تکلیف شده باشد.

۱۰- در صورت استفاده از پایان‌نامه یا رساله‌های دانشجویی، ذکر نام استاد راهنما، عنوان رشته و نام دانشگاه مربوط، الزامی است و مقالات برگرفته از پایان‌نامه و رسالهٔ دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو به صورت توأم و با مسئولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.

۱۱- لازم است ساختار مقاله براساس فایل تمپلت (قابل دریافت از طریق سایت و سامانه نشریه) تنظیم و ارسال شود.

۱۲- ارجاعات داخل متن و فهرست منابع پایانی باید براساس شیوه نامه APA تنظیم شوند.

۱۳- هزینه های هر مقاله در مراحل مختلف از نویسندگان دریافت خواهد شد که در سایت و سامانه نشریه، قابل مشاهده است.

۱۴- لازم به ذکر است پس از پذیرش علمی و نهایی مقالات، چکیده مبسوط انگلیسی، چکیده تصویری، ترجمه منابع، ترجمه جداول و شکل ها، جهت انتشار دریافت می شود.

نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران
(JIAU)

شاپای چاپی ۲۲۲۸-۵۸۹X
شاپای الکترونیکی ۲۶۴۵-۷۱۴۸

داوران این شماره

محمد جواد ارشادی	پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایرانداک
بابک امرایی	دانشگاه هنر اسلامی تبریز
حمیدرضا پارسی	دانشگاه تهران
عصمت پای کن	پژوهشگر
پیمان پیله چی ها	مؤسسه آموزش عالی کوثر- قزوین
بهاره تدین	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد اصفهان
مصطفی حسین آبادی	پژوهشگر
زهرا خدائی	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شهرری
مهدی سعیدی	پژوهشگر
امیر شکیبامنش	دانشگاه هنر تهران
حسن صادقی نائینی	دانشگاه علم و صنعت ایران
سیده مرضیه طبائیان	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد اصفهان
بابک عالمی	دانشگاه کاشان
هادی عبادی	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد کرمانشاه
الناز عباسیان	پژوهشگر
پرستو عشرتی	دانشگاه تهران
مریم عظیمی	دانشگاه هنر اصفهان
لیلا علیپور	دانشگاه تهران
بهراد فرمهینی فراهانی	پژوهشگر
مینو قره بگلو	دانشگاه هنر اسلامی تبریز
آویده کامرانی	دانشگاه علم و صنعت ایران
ساناز لیتکوهی	دانشگاه پیام نور
سید مجید مفیدی شمیرانی	دانشگاه علم و صنعت ایران
مهدی منتظرالحجه	دانشگاه یزد
سیما منصوری	پژوهشگر

فهرست

مقالات علمی

نقش طرح‌واره‌های ذهنی در تولید فضا ۵
(نقد سه‌گانه‌ی فضایی لوفور از منظر مکتب ویگوتسکیایی شناخت)
بهراد فرمهینی فراهانی، مظفر صرافی

مدل‌یابی فرآیند ایده‌پردازی در آموزش طراحی معماری با رویکرد نشانه شناختی ۲۳
(نمونه موردی: طراحی مسکن)
مرضیه اعتمادی پور، سید جمال الدین مهدی نژاد

فرامطالعه مطالعات مرتبط با ساختار فضایی شهری و منطقه‌ای در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۸ ۳۷
ندا ملک زاده، هاشم داداش پور، مجتبی رفیعیان

تبیین راهبردهای طراحی بیوفیلیک موثر بر سلامت بیماران بستری در بیمارستان‌ها ۵۹
غزال زارع، محسن فیضی، محمد بهاروند، محمدرضا مثنوی

تبیین محدوده مطلوب شدت روشنایی در فضاهای اداری شهر تهران ۷۹
مریم فخاری، ریما فیاض، مریم مهرآور

تعیین عوامل موثر بر ارتقاء "دلبستگی مکانی" ساکنین در مراکز محلات معاصر ۹۳
(مورد مطالعه: محله کوی اساتید شهر یزد)
علی ریاحی دهکردی، مهدی منتظرالحجه، مجتبی شریف نژاد

تدوین مدل شاخص‌های مکانی یادگیری تجربی و کاربرد آن در طراحی محیط‌های یادگیری ۱۱۱
نسرین کریمی، مرتضی خسرونیا، ساحل دژپسند

پژوهشی در ضرورت طراحی بهینه فضاهای باز و محیط سبز کالبد آموزشی در راستای بهبود ادراک دانش‌آموزان و ارتقاء کیفیت محیط آموزشی ۱۲۷
(مطالعه موردی: دبیرستان‌های دخترانه شهر اصفهان)
سیده مرضیه طبائیان

توسعه شرکت‌های طراحی صنعتی کشور براساس ارائه مدل ساختاری تبلیغات ۱۴۱
سارا صفاری، حسن صادقی نائینی، عطاالله ابطحی، سید جمال الدین طبیبی، علی اکبر فرهنگی

قابلیت‌های پنهان در مزارع مسکون تاریخی نیاسر ۱۵۷
حسین راعی

مقایسه رویکرد دانشجویان کارشناسی رشته‌های مهندسی معماری و شهرسازی به «محله پایدار» ۱۷۵
(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز)
مریم روستا، سارا دانشمند

بررسی تاثیر عوامل کالبدی و فعالیتی در ایجاد کیفیات حسی در پیاده‌راه‌های شهری ۱۹۱
(مطالعه موردی پیاده‌راه طاق‌بستان کرمانشاه)
بهارک ببری ده مجنونی، محمد مهدی مقدسی، امید دژدار

اثرات هوشمندسازی فضای شهری بر ادراک شهروندان در شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری ۲۰۷
(مطالعه موردی میدان هفت حوض تهران)
کیانا هاشمی، راما قلمبر دزفولی

بررسی و ارزیابی الگوهای معماری به منظورکاهش علائم بیماران مولتیپل اسکلروزیس(ام‌اس) ۲۲۱
مهدیه تنهائی اهری، محمد قمیشی

تحلیل عوامل مؤثر در برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری میراثی ۲۳۷
(مطالعه موردی: شهر تهران)
حمید قربانی، عبدالرضا رکن الدین افتخاری، شمس السادات زاهدی، سید سعید هاشمی

ارزیابی تاثیر عوامل محیطی بر رضایتمندی بیمار و همراه بیمار در اتاق‌های استراحت بیمارستان‌های شهر تهران ۲۵۱
هانی حدادزادگان، زهراسادات زمردیان، محمد تحصیلدوست، شادی جامی

Journal of Iranian Architecture & Urbanism
(JIAU)
Homepage: https://www.isau.ir/

ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Role of Mental Schemata in Production of Space (Criticism of Lefebvre's Spatial Triad from the Perspective of Vygotskian School of Cognitive Psychology)*

Behrad Farmahini Farahani [1], Mozaffar Sarrafi [2,]**

[1]*Ph.D Candidate in Urban Planning, Campus 2, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.*
[2]*Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.*

ARTICLE INFO

Article History:

Received	2020/02/15
Reviesed	2020/04/27
Accepted	2020/07/02
Available Online	2021/05/31

Keywords:

Mental Schema
Production of Urban Space
Lev S. Vygotsky
Henry Lefebvre
Culture
Mikhail Bakhtin

Use your device to scan and read the article online

Number of References
97

Number of Figures
1

Number of Tables
0

Extended ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Henri Lefebvre's theory of production of space has been one of the most influential theories in spatial studies that deals with the relationship between the mentality of urban residents and urban space. The triad of spatial practice, representations of space and representational spaces, which have been discussed in that theory, have proven to be problematic due to its failure of explanation of the way that semeiotical significations in a representational space lead to the creation of meanings in the mind. In addition, it is not precise from the perspective of the cognitive psychology. The objective of present essay is the criticism of Lefebvre's triad and explanation of the process of thought and representation in mind by means of Vygotskian School in cognitive psychology and application of the mental schema model. By criticism of Lefebvre's theory and revelation of its deficiencies and finally, by the use of model of mental schema, the following question is answered: How is urban space created in relation to consciousness and mentality of its residents?

METHODS: The methodology of current essay is based on two general methodological approach: system approach in epistemology and structurationist ontology; with emphasize on becoming, which is dialectic. Thus, it is emphasized that there is something beyond the mere expression of the mutual relationship between structure and culture, environment and psyche of man and it is that social and spatial phenomena should be studied in the course of their evolution, maturation and fall in history; this is indeed the method of dialectic. Although Lefebvre's method from the perspective of its three moments helps us to avoid the absolute and one-sided encounter with spatial issues, it is still problematic and subject to criticism that how representational spaces influence human psyche and mind through the process of semiotical significations as well as the adi of physical objects that contain meanings (whether in line with political and social resistance or in line with the regeneration of the dominant way of production through systematization of space and exertion of hegemony over the space).

FINDINGS: This criticism took place through the encounter of the ideas of Lefebvre with the ideas of Vygotsky and Bakhtin and expression of the role of mental schema in understanding of meanings and interpretation of the inputs and their externalization. Firstly, Vygotsky in his discussion as regards inner speech showed that on the one hand, there is a distance between the meaning of a word and its sense. On the other hand, he proved that there is a difference between the scientific concepts and everyday concepts, which in turn reminds us the Hegelian difference of "In-itself" and "For-Itself. In addition, scientific concepts, which are the result of education, surpass the everyday concepts in mental analyses. Secondly, according to Bakhtin's theory, process of thought has a dialogic nature, and in the word of every individual, there is always a trace of "otherness". This issue leads us towards understanding the role of social groups in individual consciousness. Thirdly, mental schema, which are the dynamic element of individual consciousness and have a propositional nature change following the creation of question and search for

© 2021, JIAU. All rights reserved.

https://dx.doi.org/10.30475/ISAU.2020.223709.1376

OPEN ACCESS

* This article is derived from the first author`s doctoral thesis entitled "Mental Schemata and Production of Urban Space", supervised by the second author, at Shahid Beheshti University.

** Corresponding Author:
Email: *sarrafi@sbu.ac.ir*
Phone: +98(912)1973848

Extended ABSTRACT

answer. Following the change of the mental schema, if the individual finds the opportunity for institutionalization and popularization of his own idea, the culture would change too. Then, culture can be defined through the change in mental schema. On the other hand, problem of cognitive distortion is also related with the concept of exertion of hegemony and false consciousness, which can be discussed in the form of the intentional manipulation of the mental schema. Through these three theoretical foundations, one can conclude: 1) consciousness acts by means of the concepts that build mental schema; 2)since reality is changing, concepts also change in the course of time, and change in concepts and their relations through raising a question, findings answer, training and institutionalization leads to the change of mental schema; 3)individual consciousness has a collective structure, i.e. it is influenced by social groups which host the individual as their member; 4) factors of hegemony succeed to control cultural space and lived space thanks to cognitive distortion. Definition of culture through model of mental schema causes the mode of production and change of space to be clarified without being entangled with the cognitive deficiencies of Lefebvre's cognitive theory. In an analysis that was proposed of the everyday concepts and scientific notions, it became clear that perceptions and ideas that take place due to the semiotical metaphors and significations within lived space and through spatial representations of Lefebvre are mere everyday concepts. Therefore, they do not have the logical structure of scientific concepts and even if the end of the concatenation of associations leads to similar action, since they have led to that action with an inferential method and by means of different notions and interrelations between them in the form of mental schema, soon or later, the difference and contradiction of them will be revealed. Therefore, Lefebvre's political project, i.e. the ideal society that will be realized through resistance of different groups like oppressed, underclasses, ethnic groups, gender groups and other before the capitalist system, is more a poetic notion than a scientific analysis of the mental conditions of those groups.

CONCLUSION: The results acquired through findings and discussions show that semiotical significations in lived space not in a poetic form that is hidden in Lefebvre's expression rather through the role that concepts and the relations between them are established between them in the form of schemata in mind. Moreover, study of formation and change of space requires the study of the evolutionary schemata of intentional and active man whose consciousness has taken form by mediation of the semiotical systems and tools and of course, changes in the course of time. Since the consciousness of every individual is influenced by the social group to which the individual belongs, the mental schemata of social groups regarding a determinate space should be studied.

.....

HIGHLIGHTS:

- Semiotical significations in lived space not in a poetic form that is hidden in Lefebvre's expression rather through the role that concepts and the relations between them are established between them in the form of schemata in mind.
- Study of formation and change of space requires the study of the evolutionary schemata of intentional and active man whose consciousness has taken form by mediation of the semiotical systems and tools and of course, changes in the course of time.
- The mental schemata of social groups regarding a determinate space should be studied.

ACKNOWLEDGMENTS:

We would like to appreciate. Dr. Habibaullah Ghasemzadeh, who allowed the main author of this article to attend their classes and provided useful guidelines in the field of cognitive science in private meetings.

CONFLICT OF INTEREST:

The authors declared no conflicts of interest.

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Farmahini Farahani, B.; Sarrafi, M., (2021). The Role of Mental Schemata in Production of Space (Criticism of Lefebvre's Spatial Triad from the Perspective of Vygotskian School of Cognitive Psychology). *Journal of Iranian Architecture & Urbanism*., 12(1): 5-**.

https://dx.doi.org/10.30475/ISAU.2020.223709.1376

https://www.isau.ir/article_109862.html

نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران. دوره ۱۲. شماره ۱. صفحات ۲۱-۵. بهار و تابستان ۱۴۰۰

نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران
(JIAU)
https://www.isau.ir/

مقاله علمی- پژوهشی

نقش طرح‌واره‌های ذهنی در تولید فضا
(نقد سه‌گانه‌ی فضایی لوفور از منظر مکتب ویگوتسکیایی شناخت)*

بهراد فرمهینی فراهانی[1]، مظفر صرافی[2]و**

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، پردیس دو، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مشخصات مقاله

تاریخ ارسال	۱۳۹۸/۱۱/۲۶
تاریخ بازنگری	۱۳۹۹/۰۲/۰۸
تاریخ پذیرش	۱۳۹۹/۰۴/۱۲
تاریخ انتشار آنلاین	۱۴۰۰/۰۳/۱۰

واژگان کلیدی

طرح‌واره ذهنی
تولید فضا
لِو سمینوویچ ویگوتسکی
هانری لوفور
فرهنگ
میخائیل باختین

چکیده

نظریه‌ی تولید فضای لوفور از اثرگذارترین نظریه‌ها بر مطالعات فضایی بوده که به رابطه‌ی میان ذهنیت ساکنان شهر و فضای شهری توجه دارد. با این وجود، سه‌گانه‌ی عمل فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضاهای بازنمودی یا تمثیلی که در آن نظریه طرح شده است، از آن‌جهت که چگونه دلالت‌های نشانه‌شناختی در فضا، به ایجاد معانی در ذهن می‌انجامد مساله‌ساز بوده، و از منظر علم روان‌شناسی شناختی دقیق نیست. هدف از این مقاله، نقد سه‌گانه‌ی لوفور و توضیح فرایند اندیشه و بازنمایی واقعیت در ذهن با بهره‌گیری از مکتب ویگوتسکی در روان‌شناسی شناختی و به‌کارگیری مدل طرح‌واره‌ی ذهنی است. با نقد نظریه‌ی لوفور و نشان دادن کژی‌های آن، نهایتاً با به‌کارگیری مدل طرح‌واره‌های ذهنی به این پرسش پاسخ داده می‌شود که فضای شهری در رابطه با آگاهی و ذهنیت ساکنانش چگونه تولید می‌شود؟ روش‌شناسی این مقاله برپایه‌ی دو رویکرد روش‌شناختی کلان نگاشته شده است: رویکرد سیستمی در شناخت‌شناسی، و ساختمندگرایی هستی‌شناختی؛ با تاکید بر این موضوع که پدیده‌های اجتماعی و فضایی را باید در روند تکامل، تکوین و زوال‌شان در طول تاریخ بررسی کرد؛ که همان روش دیالکتیک است. نتیجه‌ی حاصل از یافته‌ها و بحث نشان می‌دهد که دلالت‌های نشانه‌شناختی در فضای زیسته نه به‌صورت شاعرانه‌ای که در بیان لوفور نهفته است، بلکه از طریق نقشی که مفاهیم و روابط میان آن‌ها در قالب طرح‌واره‌ها در روان انسان دارند برقرار می‌شوند. همچنین شناخت شکل‌گیری و دگرگونی فضا مستلزم مطالعه‌ی طرح‌واره‌های انسان قصدمند کنشگر اجتماعاً رشد کرده‌ای است که آگاهی‌اش به‌وساطت سیستم‌های نشانه‌شناختی و ابزارها شکل گرفته و البته در گذر زمان تغییر می‌پذیرد. از آن‌جا که آگاهی هر فرد متاثر از گروه اجتماعی است که فرد عضوی از آن است، در مطالعات فضاهای شهری، باید طرح‌واره‌های ذهنی گروه‌های اجتماعی را درباره‌ی فضایی معین مطالعه کرد.

نکات شاخص

- دلالت‌های نشانه‌شناختی در فضای زیسته نه به‌صورت شاعرانه‌ای که در بیان لوفور نهفته است، بلکه از طریق نقشی که مفاهیم و روابط میان آن‌ها در قالب طرح‌واره‌ها در روان انسان دارند برقرار می‌شوند.
- شناخت شکل‌گیری و دگرگونی فضا مستلزم مطالعه‌ی طرح‌واره‌های انسان قصدمند کنشگر اجتماعاً رشد کرده‌ای است که آگاهی‌اش به‌وساطت سیستم‌های نشانه‌شناختی و ابزارها شکل گرفته و البته در گذر زمان تغییر می‌پذیرد.
- در مطالعات فضاهای شهری، باید طرح‌واره‌های ذهنی گروه‌های اجتماعی را درباره‌ی فضایی معین مطالعه کرد.

نحوه ارجاع به مقاله

فرمهینی فراهانی، بهراد و صرافی، مظفر (۱۴۰۰). نقش طرح‌واره‌های ذهنی در تولید فضا(نقد سه‌گانه‌ی فضایی لوفور از منظر مکتب ویگوتسکیایی شناخت)، *نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران*، ۱۲(۱)، ۵-۲۵.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده نخست با عنوان «طرح‌واره ذهنی و تولید فضای شهری» می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه شهید بهشتی انجام گرفته است.

** نویسنده مسئول
تلفن: ۰۰۹۸۹۱۲۱۹۷۳۸۴۸
پست الکترونیک: sarrafi@sbu.ac.ir

مقدمه

رابطه‌ی میان ذهنیت ساکنان شهر و فضای شهری همواره از زوایای متفاوتی مورد توجه اندیشمندان بوده است. به‌تدریج که شهرشناسان از پرداختن به موضوعِ شهر به‌مثابه پدیده‌ای کالبدی فاصله گرفته و به مطالعه‌ی جنبه‌های اجتماعی آن پرداختند، شهر وجوهِ دیگری از خود را نمایان ساخت: حیات ذهنی ساکن کلانشهر برای زیمل(Simmel, 1903/1997) اهمیت یافت؛ بنیامین(Benjamin, 1928/1985) در مطالعات خود به موضوع رویارویی فرد و محیط حسّی شهر، از منظر معنا، ادراک و خاطره پرداخت؛ دِسرتو(De Certeau, 1984) نقشه‌ی ذهنی فرد در عمل روزمره‌اش در فضای شهریِ برنامه‌ریزی‌شده را بررسی کرد؛ و دیگرانی چند.

نظریه‌ی تولید فضای لوفور، از اثرگذارترین نظریه‌هایی است که از این منظر راه خود را در مباحثِ شهرشناسی و برنامه‌ریزی شهری گشوده و توجه اندیشمندانِ ایرانی مسائل فضایی (Javan, Dalil & Salmani-Moghaddam, 2013; Rafieian & Alvandipour, 2015; Habibi & Amiri, 2016; Fanni & Mahmoodi, 2018; Navabakhsh & Ahmadi, 2012; Shojaeivand, Rostaei & Asgari Zamani, 2018) را نیز به خود جلب نموده است. با این حال ابهام در آرای لوفور، به‌خصوص شناخت‌شناسی وی و ماهیت سیاسی نظریه‌ی او بحث در خصوص جنبه‌های مختلف آن را، در راستای روشن‌سازی ابهامات و ضعف‌هایش، ضروری می‌سازد.

لوفور، که بر مارکسیسم ساختارگرای آلتوسری نقدهایی وارد می‌دانست، خوانشی انسان‌گرایانه(Saunders, 1986/2013, p.209) از مارکس «دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴»(Marx, 1932/2015) داشت و متاثر از رویکرد نشانه‌شناختی نیچه(Nietzsche, 1896/1994) و پدیدارشناسی مرلوپونتی(Merleau-Ponty, 1962) و باشلار(Bachelard, 1957/2013) بود(Schmid, 2008, p.28; Merrifield, 1995, p.295). رویکردی که خود را در سه‌گانه‌ی معروف عمل فضایی[1]، بازنمایی‌های فضا[2] و فضاهای بازنمودی یا تمثیلی[3] مورد بحث لوفور (Lefebvre, 1974/2016, p.66-76) منعکس می‌سازد. مساله‌ی اصلی در این سه‌گانه‌ی فضایی، پیوند یا رابطه‌ای است که لوفور میان ذهنیت ساکنان و تولیدکنندگان فضای شهری با فضای عینیِ مورد استفاده‌ی ساکنان شهر می‌یابد. هدف از این مقاله، نقد سه‌گانه‌ی لوفور، توضیح فرایندِ اندیشه و بازنمایی واقعیت در ذهن از طریق مراجعه به دانش و علم روان‌شناسی شناختی[4] و بهره‌گیری از مدل طرح‌واره‌ی ذهنی[5] است. با نقد نظریه‌ی لوفور و نشان دادن ضعف‌های آن، نهایتاً به این پرسش پاسخ داده می‌شود که فضای شهری در رابطه با آگاهی و ذهنیتِ ساکنانش چگونه تولید می‌شود؟ اهمیت این پرسش در آن است که مادامی که رابطه‌ی مذکور به‌صورتِ علمی بیان نشود، بحث لوفور در بستری فلسفی باقی می‌ماند و پیرو آن، نظریات متکی بر آرای وی در برنامه‌ریزی فضایی نیز مبهم باقی مانده و دارای کاستی‌ها و کژی‌هایی خواهند بود. لذا نقد سه‌لحظه‌ی فضایی لوفور و روشن‌کردن نقطه‌ی مبهم آن در ذهنی شدن امر عینی است، که از طریق رجوع به علم روان‌شناسی شناختی از منظر مکتب ویگوتسکی[6] صورت خواهد پذیرفت. سپس طرح‌واره‌های ذهنی به‌عنوان مدلی انتزاعی، که روشن‌کننده‌ی چگونگی معنایابی و تفسیر دلالت‌های نشانه‌شناختی هستند، شرح داده می‌شوند تا ضمن نقد نظریه‌ی لوفور به پرسش تحقیق پاسخ داده شود.

روش‌شناسی پژوهش

منظور از روش‌شناسی، نوعی روال کار یا شیوه‌ی نگاه‌کردن به جهان یا فکر کردن درباره‌ی آن است که به ما امکان می‌دهد چیزهایی را کشف کنیم که قبلا نمی‌دانستیم(Craib, 1984/2018, p.167). این کار نیازمند مفروضات و رویکردهایی معین است. این مقاله نیز برپایه‌ی دو رویکرد روش‌شناختی کلان نگاشته شده است: رویکرد سیستمی در شناخت‌شناسی، و ساختمندگراییِ هستی‌شناختی[7].

نقد سه لحظه‌ی فضایی لوفور مستلزمِ ورود به مباحث مرتبط با شناخت‌شناسی و خصوصاً بازنمایی است. از آن‌جا که انسان یکی از زیرسیستم‌هایِ سیستم اجتماعی است و در پیوند با عناصر و زیرسیستم‌های دیگر (انسان‌ها، فضای شهری و غیره) قرار دارد، رویکرد سیستمی یکی از پایه‌های روش‌شناسی بحث است.

از سوی دیگر، آگاهی در رابطه با کلیّت سیستم اجتماعی (مادی و معنوی) شکل می‌گیرد و با آن در ربطِ دیالکتیکی است. از این رو، بنابر دسته بندی پَتون(Patton, 2015)، از این جهت که چگونه افراد واقعیت فضایی را در ذهن‌شان ساخته و ادراک می‌کنند، روش‌شناسی این مقاله در مقوله‌ی ساختارگرایی اجتماعی نیز می‌گنجد؛ اگرچه ساختارگرایی به‌مثابه یک روش، منظورِ نظر است، و نه مجموعه‌ای از مفروضات ماوراءطبیعی(Craib, 1984/2018, p.167). لوید(Lloyd, 1993/1997, p.100-101) سه نحله‌ی هستی‌شناسی اجتماعی را نام می‌برد: هستی‌شناسی فردگرا، هستی‌شناسی کل‌گرا و هستی‌شناسی ساختمندگرا.

رویکردِ هستی‌شناختی این مقاله بر اساس دسته‌بندی لوید(Lloyd, 1993/1997)، به هستی‌شناسی ساختمندگرا نزدیک است؛ به این ترتیب که جامعه نه صرفاً مجموعه‌ای از افراد و موقعیت‌هایی که آن را به‌وجود می‌آورند (هستی‌شناسی فردگرا) و نه صرفاً نوعی وجود بیرون از افراد (هستی‌شناسی کل‌گرا)، بلکه مجموعه

ساختارهایی است که انسان‌ها خلق می‌کنند و خود درون آن عمل می‌کنند(Lloyd, 1993/1997, p.101). با این همه، کرایب(Craib, 1984/2018) به خوبی نشان داده است که چرا نظریات کنش متقابل نمادین و ساختارگرایی، هر دو تنها جنبه‌هایی از واقعیت را آشکار می‌سازند؛ چالشی که حل آن دشوار است. مساله آن است که چیزی فراتر از بیانِ صرف رابطه‌ی متقابلی بین ساختار و فرهنگ، محیطَ و روانِ انسان، وجود دارد آن این است که پدیده‌های اجتماعی و فضایی را باید در روند تکامل، تکوین و زوال‌شان در طول تاریخ بررسی کرد؛ که همان روش دیالکتیک است.

به همین سبب، با منطق دیالکتیک است که درخواهیم یافت که وقتی از «خود» صحبت می‌کنیم، باید از «دیگری» هم صحبت کرد. دیگری همواره در خود حضور دارد.

لوفور و سه‌گانه‌ی فضایی

آرای هانری لوفور-که هفتاد و دو جلد کتاب از خود به جای گذاشته است(Elden, 2004, p.4) - پس از ترجمه‌ی کتاب «تولید فضا»(Lefebvre, 1974/2016) به زبان انگلیسی، توسط برخی جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان شهری که به مساله‌ی فضای شهری می‌پردازند(مانند:Harvey, 1973/2016; Smith, 1984; Shields, 1999; Brenner, 1997, 2000; Fyfe, 1996; McCann, 1999; Soja, 1989, 1996; Butler, 2012; Elden, 2004; Merrifield, 2006; Stanek, 2011) وارد حوزه‌ی مطالعات شهری شد و این‌گونه، «تولید فضا» به شکل یک تغییر پارادایمی در آن حوزه گسترده گشت(Buser, 2012, p.281). به باور لوفور، «فضا یکی از وسایل تولید است»(Lefevbre, 1979/2009, p.188). «فضا هم پیش‌شرط و هم حاصلِ روساخت‌های اجتماعی است»(Lefebvre, 1974/2016, p.125). وی فضا را در دل تحلیل اقتصادی-سیاسی خود آورده، بیان می‌دارد که «تحلیل تولید نشان می‌دهد که ما از تولید چیزها در فضا، به تولیدِ خودِ فضا گذر کرده‌ایم» (Lefevbre, 1979/2009, p.186). لوفور فضا را در تحلیل مناسبات بازتولید اجتماعی وارد کرده و از همین رو معتقد است که طبقه‌ی حاکم «امروز بیش از هر زمان دیگری در تولید فضا مداخله می‌کند»(Lefevbre, 1979/2009, p.189) و از این طریق، بر بازنمایی ساکنان شهر اثر می‌گذارد.

لوفور برای بیان ایده‌ی فضامندِ خود، سه مومنت یا دقیقه یا لحظه‌ی فضای اجتماعی را از هم تمییز می‌دهد. این سه لحظه یا دقیقه هم‌زمان در فضا وجود داشته(Lefebvre, 1974/2016, p.66-76) و نسبت به هم، حالت پیشینی نداشته و میان‌شان تعادل برقرار است:

۱. عمل فضایی: که متناظر با فضای دریافته [یا ادراک شده] است. عمل فضایی، نظیر هرگونه عمل اجتماعی، قبل از اینکه مفهوم‌سازی شود، بلاواسطه تجربه می‌شود. عمل فضایی به رابطه‌ی یک سوژه با فضا اشاره دارد؛ دریافتی حسّی است که فاعل شناسایی از طریق جسم خود انجام می‌دهد: استفاده از دست‌ها، اعضا و اندام‌های حسّی و حرکات.

۲. بازنمایی‌های فضا: که متناظر با فضای پنداشته است. بازنمایی‌های فضا با نشانه‌ها، رمزها و نمادها، یعنی با نظام نشانه‌شناختی زبانی در ارتباط است. این فضا، فضای متصوّر طراحان، شهرسازان و فن‌سالاران است. بنابراین به لحاظ فکری اندیشیده شده و مفهوم‌پردازی شده است. این فضاها آکنده از ایدئولوژی اند.

۳. فضاهای بازنمودی یا تمثیلی: که تقریباً متناظر با فضای زیسته است. فضاهای بازنمودی، در پیوند با هنر، و از این رو در رابطه با خلاقیت است. فضاهای بازنمودی، کم‌وبیش به نظام‌های منسجم نمادها و نشانه‌های غیرزبانی گرایش دارد. این فضاها یادآورِ عناصر پندارین و نمادین‌اند. برعکسِ بازنمایی‌های فضا، تولیداتِ فضاهای بازنمودی، کارهای تمثیلی و نمادینی هستند که اغلب گرایش‌هایی زیبایی‌شناختی و هنری، به‌ویژه معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی دارند.

فضای درک‌شده، فضای واقعی است که به‌طور بلاواسطه و غیرکلامی از طریق عمل فضایی و از طریق دریافتِ حسّی، تولید و استفاده و درک می‌شود(Stewart, 1995, p.610؛ Elden, 2007, p.111). فضای پنداشته، فضای مفهومی‌شده و فضای معقولات است: در این فضا است که بازنمایی‌های فضا در سطح گفتمان و گفتار پدیدار می‌شوند و شکل کلامی و زبانی دارند؛ به‌طوری‌که قدرت از طریق طرح‌ها و نقشه‌های شهرسازان و مهندسان سعی در تسلط و نظم‌دهی به فضای زیسته را داشته تا شیوه‌ی تولیدش را بازتولید کند(Schmid, 2008, p.36-37). فضای زیسته، فضایی است آکنده از نمادها و معانی(Stewart, 1995, p.610). فضایی که مستقیماً بدل به تجربه‌ی زیسته شده و فضای روزمره‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم(Simonsen, 2005, p.7؛ Merrifield, 1993/2016, p.286). در بیانِ لوفوری، استفاده‌کنندگان از فضا، هر روز فضایِ زیسته را به‌وساطتِ تصاویر و نمادها تجربه می‌کنند و از این رو، فضایِ زیسته امکان‌هایی برای مقاومت فراهم می‌آورد(Ronneberger, 2008, p.137).

فضای زیسته لوفور جایگاه دلالت‌های نشانه‌شناختی است(Lefebvre, 1974/2016, p.181)؛ نشانه‌ها و نمادهایی که محرک فرایندِ یادآوری در ذهن هستند. از این رو، فضا در پیوند با زبان است: «فضا، ظاهراً همراه با زبان و در زبان است، و جدا از زبان شکل نمی‌گیرد. انباشته از نشانه‌ها و معانی، نقطه‌ی تلاقی نامشخص گفتمان‌ها، ظرفی همگن با مظروفش، فضایی که این‌گونه تصوّر می‌شود، صرفاً

متشکل از کارکردها، آواها و پیوندها است؛ که در این مورد خیلی زیاد شبیه گفتمان است»(Lefebvre, 1974/2016, p.182). از این رو «فضا ارزش نمادین پیدا می‌کند»(Lefebvre, 1974/2016, p.187).

اشمید(Schmid, 2008, p.33) بر آن است که لحظه‌ی سوم دربرگیرنده‌ی شاعرانگی و میل به شکل‌های استعلایی است که لوفور در تبیین آن از مقاله‌ی «در باب حقیقت و دروغ به مفهومی غیر اخلاقی»(Nietzsche, 1896/1994) و کتاب «بوطیقای فضا»(Bachelard, 1957/2013) تاثیر پذیرفته است، هر چند که لوفور همزمان به ایده‌آلیسم این پدیدارشناسان فلسفی نقد داشت(Schmid, 2008, p.39). وی توضیح می‌دهد که نماد برای لوفور در توضیح امر نمادین، بیانگر تصاویر، عواطف، تاثیرات و دلالت‌های مفهومی است و همین دوپهلویی و پیچیدگی نماد است که سازنده‌ی زبانِ زیسته و گذرانِ زندگی است(Schmid, 2008, p.36).

برای روشن‌شدن گرایشات نیچه‌ای لوفور، پاره‌ای از مقاله‌ی نیچه آورده می‌شود: «همگی بر این باوریم که هنگام سخن‌گفتن از درختان، رنگ‌ها، برف و گلها، چیزی در مورد نفس اشیاء می‌دانیم؛ و با این حال صاحب هیچ نیستیم، مگر استعاره‌هایی برای اشیاء؛ استعاره‌هایی که به هیچ وجه با پدیده‌ی اصلی مطابقت ندارند... تکوین زبان هیچ‌گاه به نحو منطقی بسط نمی‌یابد»(Nietzsche, 1896/1994, p.125). «طبیعت نه با اَشکال آشناست و نه با مفاهیم و انواع؛ بلکه سروکارش صرفاً با امر ناشناخته‌ای است که برای ما تعریف ناپذیر و به‌دور از دسترس باقی خواهد ماند»(Nietzsche, 1896/1994, p.126). «پس حقیقت چیست؟ سپاه متحرکی از استعاره‌ها و مجازهای مرسل ... در یک کلام: مجموعه‌ای از روابطِ بشری که به نحوی شاعرانه و سخنورانه، تشدید و دگرگون و آرایش شده‌اند»(Nietzsche, 1896/1994, p.126).

به عقیده‌ی نیچه مفاهیم در طبقه‌بندی و سلسله‌مراتبی کردن و نظم بخشی به جهانِ انسانی یاری می‌رسانند، اما در جهانِ ادراک «هر استعاره‌ی ادراکی، امری منفرد و بی‌نظیر است و از این رو می‌تواند از دام هر طبقه‌بندی بگریزد»(Nietzsche, 1896/1994, p.127). اکنون می‌توان دریافت که ادراک حسّی و شاعرانه‌ای که لوفور در فضای زیسته از آن سخن می‌گوید از چه جنس است، و چه قرابتی با دریافت استعاره‌ای و نشانه‌شناختی نیچه دارد؛ فیلسوفی که بر آن است که «هنر این شبکه‌ی مفاهیم را درهم‌می‌شکند»(Nietzsche, 1896/1994, p.133).

دقیقا همینجا است که لزوم ورود به بحث‌های شناختی از منظر علم روان‌شناسی شناختی، به خصوص روان‌شناسی زبان‌شناختی، برای سنجش دقت سه‌گانه‌ی فضایی نظریه لوفور ضرورت می‌یابد.

اگرچه روش لوفور از منظر سه لحظه‌ی آن کمک می‌کند که از برخورد مطلق و یک‌جانبه به مسائل فضایی بپرهیزیم(Buser, 2012, p.294)، اما اینکه چگونه فضاهای تمثیلی از طریق فرایند دلالت‌های نشانه‌شناختی و به کمک ابژه‌های فیزیکی که حاملان معانی هستند بر روان افراد (چه در راستای مقاومت و چه در راستای بازتولید شیوه‌ی تولیدِ مسلط به‌وسیله‌ی نظم‌بخشی به فضا و اعمال هژمونی بر فضا) بر ذهن افراد اثر می‌گذارد، مساله‌برانگیز و قابل نقد است. ضروری است که چگونگی شکل‌گیری معانی و مفاهیم در ذهن به‌عنوان یکی از کارکردهای مغز و دستگاه شناختی انسان مورد بررسی قرار گیرد؛ مساله‌ای که اگرچه دیوید هاروی(Harvey, 1973/2016, p.51) نیز به‌آن اشاره کرده، اما خود بدان نپرداخته است.

در ادامه، با مراجعه به آرای ویگوستگی، روان‌شناسِ شهیر روس، چگونگی بازنمایی فضا در ذهن و ایجاد معانی در روان انسان بررسی خواهد شد. مباحث دیگری از نظریه‌ی لوفور، همچون ادراکِ بلاواسطه‌ی حسی، تحلیل ریتم، انواع فضا و پروژه‌ی سیاسیِ رهایی‌بخشی موضوع این مقاله نیستند و لذا به آن‌ها پرداخته نخواهد شد؛ با این همه، مکتب ویگوتسکیایی شناخت، قادر است بر آن مباحث نیز نوری بتاباند.

یافته‌های نظری حوزه روان‌شناسی شناختی و فرهنگ

آگاهی، محصول فعالیت واسطه‌مند

سعی بر آن است که بنیان‌های شناختی-فلسفی و اجتماعی-فضایی مرتبط با ایده‌ی لوفور تشریح شده، و با دستاوردهای علم روان‌شناسیِ شناختی برخورد داده شود تا چگونگی معنی‌یابی فضای زیسته در ذهن نقد و کژی‌های آن آشکار شود. این برخورد از طریق آرای لِو سِمینوویچ ویگوتسکی صورت خواهد پذیرفت.[۸]

ویگوتسکی، همانند هگل، بر آن است که «مفهوم» در روانِ انسان به‌صورت بلاواسطه[۹] شکل نمی‌گیرد. مفهوم سنتز ذات و هستی است، در صورتِ هستی؛ هستی‌ای است که ذات از طریق آن نمایان می‌شود(Popov, 2010/1016, p.257). اندیشه و آگاهی در مقابل دانشِ بی‌میانجی، و به‌ویژه در مقابل شهود، قرار دارد(Hegel, 1812/2018, p.212). وساطت «جز برابری با خودِ در حالِ حرکت نیست»(Hegel, 1807/2014, p.70). «مفهوم»، دانشِ واسطه‌یافته است؛ دانشی است برآمده از منطق دیالکتیک و بنابراین حاصل «شدن» یا «شوند»[۱۰] است. شدن یا شوند عبارت است از وحدت ناآرام هستی و نیستی(Popov, 2010/1016, p.122). رفع[۱۱] بلاواسطگی از طریق

تعلیم و تعلم و فرهنگ (بیلدونگ[۱۲]) صورت می‌پذیرد: که فعالیت و کوششی است در جهت رفع ساده‌اندیشی و روزمرگی(Jahanbegloo, 2003, p.9). بنابراین، آگاهی به‌صورت واسطه‌مند، و به وساطت «مفهوم» شکل می‌گیرد.

آگاهی به‌وساطتِ مفاهیم عمل می‌کنند. فرایندهای عالی ذهن در انسان، کارکردهای فعالیت واسطه‌مند مغز به شمار می‌روند و منشاءِ واسطه‌مندی، یا در ابزار مادی و نظامی از نمادها نهفته است، یا در رفتارِ انسان(Kozulin, 2013, p.152؛ Daniels et al., 2007, p.178). یعنی وساطت از طریق کاربردِ نشانه‌ها، نمادها و زبان‌ها، که خود محصولاتی تاریخی-فرهنگی اند، عمل می‌کنند.

ویگوتسکی(Vygotsky, 1934/2008) که اساس نگرشش را با اتخاذ رویکرد هگلی مذکور و به‌ویژه بهره‌گیری از مفهوم بیلدونگ سازمان داده بود، به آزمون و مطالعه‌ی رشد انسان و شکل‌گیری آگاهی و اندیشه پرداخت. بر اساس آرای او، استدلال خواهد شد که:

یکم - مفاهیمی که در ذهن شکل می‌گیرند، هم‌رده نبوده و بسته به نوع بازنمایی‌ها، انعکاسِ درجات مختلفی از آگاهی هستند. اهمیت این نکته در تفاوت میان مفاهیم علمی و مفاهیمِ روزمره است که اشاره به رابطه‌ی عینیت و آگاهی دارد.

دوم - از دید ویگوتسکی، اندیشه و کلمه هیچ‌گاه به‌طور کامل با هم انطباق پیدا نمی‌کنند(Kozulin, 2013, p.37). اگرچه ویگوتسکی در فصل ششم کتاب «اندیشه و زبان»(Vygotsky, 1934/2008) بر تحقق‌یافتنِ آگاهی در قالبِ زبان تاکید دارد، با این همه، او میان آگاهی و آنچه که بیان (کلامی) می‌شود، فاصله می‌گذارد.

سوم - تفکر و زبان قلمرویی استثنایی و خاص خود ندارند، بلکه این دو، در واقع، نمودهای زندگیِ واقعی هستند(Basin, 1979/2005, p.35). نکته‌ی آخر، اهمیت خود را در ماهیت گفتگویی گفتار درونی و بازخوردگیری اندیشه از واقعیت نشان می‌دهد.

در ادامه این سه‌زنجیره‌ی استدلالی به تفکیک شرح داده شده اند تا در نهایت به کمک آن‌ها بتوان ابهام نظری لوفور مرتفع گردد.

مفهوم علمی و مفهوم روزمره

یکم. ویگوتسکی در فصل پنجم از کتاب «اندیشه و زبان»(Vygotsky, 1934/2008) بیان می‌کند که سه نوع از بازنمایی‌ها وجود دارند که عبارتند از: «همایندی»[۱۳]، «گروهه‌ها»[۱۴] و «مفاهیم بالقوه»[۱۵]. وی گروهه‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کند و عالی‌ترین شکل بازنمایی گروهه‌ای را که ما در زندگی روزمره‌ی خود از آن استفاده‌ی بسیار می‌کنیم، «شبهِ مفهوم» می‌نامد.

عالی‌ترین شکل بازنمایی مربوط به مفاهیم بالقوه است. ساختمان استدلال منطقی مفاهیم در ذهن به کمک کلمات که هر یک حوزه‌های معنایی خود را دارا هستند، بنا می‌شود. کوزولین (Kozulin, 2013, p.207) اشاره می‌کند که شخص ممکن است مسائل را به نحوی حل کند که نمایانگر استدلال مفهومی در وی باشد، اما تفسیرِ وی از آن راه‌حل ممکن است هنوز در سطحی پیش‌مفهومی صورت پذیرد. لذا بین یادگیریِ عملکردِ با مفاهیم از سویی، و وقوف بر ساختارِ مفهومی ذی‌نقش آن از سوی دیگر، تفاوت است. محور مرکزی این مساله را ارتباطِ بین نماد، مفهوم و مصداق غیرکلامی تشکیل می‌دهد. امکان موفقیت در استدلال شبهِ مفهومی به انطباق بین نماد و مصداق بدون دخالت مفهوم، بستگی دارد(Kozulin, 2013, p.208-209). جالب آنکه کوزولین به بحث لوفور در خصوص زندگی روزمره اشاره‌ی کوتاهی کرده و بر آن است که لوفور تسلط نماد بر مصداق را در زندگی روزمره قرن بیستم مورد توجه قرار داد(Kozulin, 2013, p.209).

در فصل ششم کتاب «اندیشه و زبان»(Vygotsky, 1934/2008)، ویگوتسکی تفاوت بین مفاهیم علمی (که ریشه در فعالیت کاملاً سازمان‌یافته و تخصصی‌شده‌ی آموزشی دارد و مشخصه‌ی آن سازمان‌بندی سلسله‌مراتبی و منطقی است) و مفاهیم روزمره (که برآمده از تجارب بلاواسطه و روزانه اند) را بررسی می‌کند. مفاهیم روزمره، از لحاظ تجربی غنی، اما غیرنظام‌مند، و کاملاً بافتاری‌اند. یعنی «مفهوم» نیستند، بلکه «گروهه» هستند. یعنی در متعالی‌ترین حالتِ ممکن‌شان، شبهِ مفهوم اند(Kozulin, 2013, p.212-213). این تفاوت از موضوعات محوری بحث ویگوتسکی ست(Hedges, 2012, p.145).

نتیجه‌ی کیفی این بررسی این بود که مفاهیم علمی سریع‌تر رشد کرده و از مفاهیم روزمره جلو می‌افتند، یا به بیان خود ویگوتسکی «رشد مفاهیم علمی بر رشد مفاهیم خودانگیخته پیشی می‌گیرد»(Vygotsky, 1934/2008, p.147). خصوصاً که مفاهیم علمی ساختارهای منطقی را وارد ذهن می‌کند، اما فاقد غنای تجربی مفاهیم روزمره هستند؛ هر چند که مفاهیم روزمره فاقد یک ساختار نظام‌مند در ذهن اند. رشد و تحول، حاصل برخورد و مفاهیم علمی و روزمره با هم است و از تعامل این دو است که رشد و تحول اندیشه ممکن می‌شود(Vygotsky, 1934/2008, p.154-157).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که تفاوتی که ویگوتسکی میان مفهوم علمی و مفهوم روزمره می‌گذارد، نشان می‌دهد که تجربیات روزمره و ادراکات حسّیِ بلاواسطه از فضای شهری که اغلب شکل مفاهیمِ روزمره در ذهن را دارند، تبدیل به آگاهی یکسان و معنای مشابهی میان افراد مختلف

نمی‌شود. بر همین اساس است که گروه‌های اجتماعی در برابر رخدادهای و تغییرات مادی و معنوی در جامعه، یکسان عمل نمی‌کنند، مگر آنکه آموزش دیده باشند، و معانی در ذهن آن‌ها مقوله‌بندی شده باشد.

اندیشه و کلمه

دوم. ویگوتسکی بین «معنی»[۱۶] کلمه، و «مضمون»[۱۷] کلمه، تمایز قائل بود. زنجیره‌ی مولدی که بر اَثر انگیزش یا قصدمندی در ذهن شروع می‌شود (Vygotsky, 1934/2008, p.198) و در نهایت به شکل کلمه (گفتار یا سخن) ابراز می‌شود ابتدا عاری از شکل کلامی بوده و به‌صورت معانی در ذهن است. تنها طی فرایند «گفتار درونی»[۱۸] است که نهایتاً اندیشه به شکل کلمات تحقق می‌یابد. برای همین است که کوزولین در تشریح تئوری ویگوتسکی می‌گوید: «نه تنها اندیشه و کلمات با هم منطبق نیستند، بلکه اندیشه‌ی بیان‌نشده، نارس باقی می‌ماند و سرانجام از بین می‌رود. بنابراین، زبان، صرفاً بیانِ اندیشه‌ی مستقل و کاملاً شکل‌گرفته نیست، بلکه شکل ضروری تحقق اندیشه است.»(Kozulin, 2013, p.237) اندیشه در صورتی به عالی‌ترین شکل خود از لحاظ دقت و عینیت می‌رسد که اجباراً در قالب نمادها و ساختارهای کاملاً منطقی بیان شود.(Hyman, 1964/2017, p.209)

کوزولین چنین نتیجه‌گیری می‌کند که معانی، وجه ارتباطی زبان با آگاهی را تشکیل می‌دهند(Kozulin, 2013, p.240). به بیان ساده‌تر، اگر زبان را مطالعه کنیم، عیناً آگاهی را مطالعه نکرده‌ایم، اما انعکاس آن را مطالعه کرده‌ایم. آگاهی فرد، چیزی بیشتر از آن است که به گفته‌های او، یعنی به‌صورت کلمات، جملات و گفتار، در می‌آید. انعکاس آگاهی در کلمه، مانند تصویر خورشیدی است که در قطره‌ی آب بازتاب یافته باشد.

گفتار درونی، انعکاس گروه اجتماعی در آگاهی فردی

سوم. اندیشه ماهیتی گفتگویی داشته و اندیشه از واقعیت بازخورد می‌گیرد. هم ویگوتسکی و هم باختین به ماهیت گفتگویی یا دیالوژیک اندیشیدن معتقد بودند(Barohny, 2016, p.114). طبق نظریه‌ی ویگوتسکی، در گفتار درونی، اندیشه، خود، از آن چیزی که هنوز اندیشه نیست، برمی‌خیزد. فرایند شکل‌گیری اندیشه در دوگانگی بین «معنی» و «مضمون» منعکس شده است. هسته‌ی مشخصات شیء که از قبل شکل گرفته‌اند، در معنی حفظ می‌شود. اما این مشخصات، ضرورتاً برای موقعیت خاصی که در آن، شیء مورد نظر در تفکر فرد دخالت می‌کند، مناسب نیست. در مضمون است که تعاریف بافتاریِ جدیدِ شیء، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مضمون، شیء به وسیله‌ی معانی بافتاری خود تعریف می‌شود، اما به‌عنوان واحدی مستقل از بافتار خود، وجود ندارد. در کنشِ تفکر، شیء به‌طور مداوم به‌وسیله‌ی اندیشه، درونی‌سازی می‌شود تا بتواند لحظه‌ای بعد، بیرونی شود. این دیالکتیکِ روابط فکر و شیء در گفتار درونی مشهود است. تعامل بین معنا و مضمون، گفت‌وگوی درونیِ بین دو عاملِ مختلفِ یک فکر را تشکیل می‌دهد. یک عامل، فکرِ خود را با نظام قبلی منطبق می‌سازد، در حالی که دیگری بلافاصله آن‌ها را به مضمونِ فردویژه تبدیل می‌کند و این خود، دومرتبه به‌صورتِ کلمات ملموس درمی‌آید. بنابراین، عامل اندیشه، همزمان در دو گفت‌وگو شرکت می‌کند: یکی برون‌سپار و دیگری درون‌سپار. همزیستی این دو نوع فرایند، امکانی برای ماهیت گفتگویی اندیشه‌ی بشر را فراهم می‌کند.(Kozulin, 2013, p.323-324) همین فرایند دیالکتیکی است که موجب می‌شود که علومی چون برنامه‌ریزی شهری که با صُور عینی‌شده‌ی فعالیت انسان سروکار دارند را بتوان با روان‌شناسی پیوند زد.

از نظر باختین اگر اعماق انسان را بکاویم نه به نفس، که به «دیگری» می‌رسیم(Todorov, 1984/2017, p.58). باختین، خصلت اجتماعی و فرهنگی گفتار را، در کتابش با عنوان «پرسش‌های بوطیقای داستایفسکی»(Bakhtin, 1963/2018)، در تحلیل خود از شخصیت‌های داستان‌های داستایفسکی نشان داده است. به عقیده‌ی باختین، داستایفسکی «اندیشه را با گفت‌وگو می‌پرورد»(Bakhtin, 1963/2018, p.217). او برآن است که «خودآگاهی شخص در آثار داستایفسکی سراسر گفتگویی است: در هر جنبه‌اش روی به بیرون دارد و شدیداً خود و دیگری، یعنی یک شخص ثالث را خطاب می‌کند.»(Bakhtin, 1963/2018, p.499). لذا اندیشه در تعامل با دیگری است که فرامی‌بالد.

باختین(Bakhtin, 1963/2018) نشان داده است خودآگاهی خصلتی گفتگویی دارد؛ گفتگو با «دیگری». لذا گفتار، حتی به شکل گفتار درونی‌اش، خصلتی اجتماعی و فرهنگی داشته و از این رو، اندیشه در تعامل و برخورد با «دیگری» پرورش می‌یابد. تولید و دریافت معنا، به‌طور کیفی و در بنیادش، اجتماعی است؛ گفته حاصل کنش متقابلی است، میان افراد هم‌سخن. بنابراین «همسخن» در شکل دادن به معنای گفتار دخیل است و این نشان از آن دارد که گفتار حاصل کل وضعیت اجتماعی پیچیده‌ای است که آن را احاطه کرده است و نمی‌توان تمامی بخش‌های گفتار کسی را صرفاً به حساب خود آن شخص گذاشت؛ بخشی از گفتار هر فرد به گروه اجتماعی که آن فرد عضو آن است تعلق دارد(Todorov, 1984/2017, p.54).

بنابراین، اندیشه ماهیتی گفتگویی داشته، و معنا در تعامل با «دیگری» در قالب زبان محقق می‌شود. در نتیجه، معنا ماهیتی پویا و همواره در «شوند» دارد

و در گفتار درونیِ هر فرد ـ چه به‌شکل درونی شدن مضامین، و چه به شکل بیرونی شدنِ معانی ـ اثری از «دیگری» دیده می‌شود. بنابراین اندیشه‌ی فرد متاثر از گروه اجتماعی است که فرد عضو آن است.

طرحواره ذهنی

جهان بازنمایی می‌شود؛ و بازنمایی در حال تغییر و تحول است. یکی از مفاهیمی که در فهم بازنمایی موثر است، طرحواره است. از اولین کسانی که مفهوم طرحواره را وارد مباحث خود کردند، ژان پیاژه و فردریک بارتلت بودند. امروزه مفهوم طرحواره متاثر از کتاب بارتلت با نام «یادآوری: مطالعه‌ای در روان‌شناسی تجربی و اجتماعی»(Bartlett, 1932) است. به‌تدریج از سال ۱۹۷۵ به بعد، مفهوم طرحواره جای خود را در نظام‌های بازنمایی، باز کرد(Ghasemzadeh, 2013b, p.128؛ Ghasemzadeh, 2006, p.58) و دانشمندان (مانند: Minsky, 1975; Rumelhart, 1975; Fillmore, 1975) به آن توجه نشان دادند. بروِر و ناکامورا(Brewer and Nakamura, 1984) در تحقیقی فراتحلیلی به این نتیجه رسیدند که فرایندهای مرتبط به بازیابی اطلاعات از حافظه وابسته به طرحواره‌ها هستند. استین(Stein, 1992) نیز به نتیجه‌ای مشابه رسید.

طرحواره‌های ذهنی، عنصر پویای آگاهی انسان اند که در تفکر دخالت کرده، میل به تکرار و ارائه‌ی پاسخ‌های از پیش مفروض داشته و گاه جای خالی اطلاعات را پر می‌کند. طرحواره‌ها بازنمایی انتزاعی خصوصیات متمایزکننده‌ی وقایع اند، شکل‌گرفته بر اساس واقعیت و تجربه(Young, Klosko & Weishaar, 2003/2015, p.29) که به رفتارها، شناخت و احساسات انسان جهت بخشیده (Stein, 1992, p.58)، قواعد اساسی برای پردازش اطلاعات را مهیا کرده(Wright, Thase & Basco, 2006/2017, p.28) و به افراد کمک می‌کنند تجارب خود را تبیین کنند(Young et al, 2003/2015, p.29). طرحواره‌ها الگوهایی برای: ۱)گزینش اطلاعات از محیط پیرامون؛ ۲)تصمیم‌گیری‌ها؛ و ۳)هدایت الگوهای مشخص رفتار را فراهم می‌کنند(Wright et al, 2006/2017, p.201). طرحواره‌های ذهنی از طریقِ اثری که بر پردازش اطلاعات وارده می‌گذارند، خود را در «انتخاب» و «تصمیم» فرد نیز بازنمایی می‌کنند.

مهم‌ترین مشخصه‌ی طرحواره، محتوای آن است. طرحواره‌ها اطلاعات وارده را دسته‌بندی، رمزگذاری و ارزیابی می‌نمایند(Ghasemzadeh, 2013a, p.111). اطلاعات، تا زمانی که در یک شبکه‌ی شناختی یا طرحواره‌ای قرار نگرفته باشند، معنایی نمی‌توانند داشته باشند(Ghasemzadeh, 2006, p.59) و با قرار گرفتن در چنین شبکه‌ای مورد تفسیر و معنی‌یابی قرار می‌گیرند(Ghasemzadeh, 2013b, p.127). محتوا معمولاً به صورتِ تعمیمی در چارچوب گرایش‌ها، هدف‌ها، ارزش‌ها و تصوراتِ فرد، خود را نشان می‌دهد(Ghasemzadeh, 2013a, p.112).

تغییرپذیری طرحواره‌های ذهنی

از آن‌جا که واقعیت و تجربه منشاء شکل‌گیری طرحواره‌ها بوده(Ghasemzadeh, 2013b, p.128-129) و واقعیت در شوند است، لذا طرحواره‌های ذهن، دائماً در حال تغییر اند. ادراکات افراد از دیگران و موقعیت‌ها، متاثر از طرحواره‌های ذهنی‌شان است: توجه و جستجوی افراد به سوی اطلاعاتی است که مورد تایید طرحواره‌های قبلی‌شان (باورها) است و ذهنِ انسان به‌صورت طبیعی تمایل دارد که اطلاعاتی را که در تناقض با طرحواره‌های از پیش موجودشان است نادیده بگیرد(Stein, 1992, p.49). این موضوع نشان می‌دهد که ذهن در برخورد با واقعیت سوی‌مندانه عمل می‌کند و بنابراین، طرحواره‌های ایجاد شده از طریق باورها، سنت و فرهنگ می‌توانند در قضاوت و دریافتِ فرد از واقعیت انحراف ایجاد کند.

هر گونه دستکاری داده‌ها و نظام پردازش اطلاعات که توسط طرحواره‌ها صورت می‌گیرد، می‌تواند موجب «تحریف شناختی»[۱۹] دستگاه شناخت و آگاهی انسان شود. جدا شدن از واقعیت، نداشتن اطلاعات صحیح، نگرفتن بازخورد از عمل و اندیشه، و تفکر سوی‌مندانه و جهت‌دار، همه و همه سبب می‌شوند که آگاهی انسان به شکل منطقی (به دور از تحریف) شکل نگرفته، و اندیشیدن به‌درستی صورت نپذیرد(Ghasemzadeh, 2013a, p.113-114). تحریف شناختی از طریق تحریک سوی‌مندِ عواطف و احساسات نیز میسّر است. چراکه عواطف و هیجان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، کنش‌ها و رفتار اجتماعی افراد اثر دارند(Bateni, 2013, p.23) و موجب شکل‌گیری انگیزش و جهت‌مندی در انسان می‌شوند(Ghasemzadeh, 2013a, p.124) و از این رو، در تحول ارگانیسم(Mokri, 2013, p.35) دستگاه شناخت آدمی نقش ایفا می‌کنند. لذا قوه‌ی محسوسات در کنار قوه‌ی معقولات، بر شناخت و آگاهی انسان اثرگذار بوده و می‌تواند موجب شکل‌گیری خلق و خو، رفتارها و تصمیمات افراد شود.

این امکان وجود دارد که معانی و مفاهیم و طرحواره‌هایی را، از طریق دستکاری کردن واقعیت یا پنهان ساختنِ آن در پس نمادها و فرهنگ‌های جعلی، در اذهان فَرد و گروه‌های اجتماعی وارد کرد و در نتیجه جهت معینی به حافظه‌ی جمعی یا روان اجتماعی داد تا در نحوه‌ی پردازش اطلاعات سمت و سوی دیگری بگیرند. اگر اطلاعات و نحوه‌ی ارائه‌ی آن سومندانه بوده و با هدفِ تغییر اذهان به سودِ منافعِ گروهی خاص صورت گیرد، این امکان وجود دارد که طرحواره‌های ذهنی تغییر کرده و

ناسازگاری‌هایی ایجاد نماید؛ چراکه که با امر واقع، با عینیتِ زندگی گروه‌های دیگر، همخوانی ندارد. اما اگر می‌توان طرح‌واره‌های ذهنی افراد را به شکلی دستکاری کرد، می‌توان آن‌ها را، در جهت انطباق با واقعیت، مجدداً تغییر داد.

فرهنگ، نهادی شدنِ طرح‌واره‌های ذهنی

«تغییرات اجتماعی-تاریخی، نه تنها محتوای جدیدی به جهان ذهنی انسان‌ها می‌بخشند، بلکه موجبِ آفرینشِ صُورِ جدیدِ فعالیت، و صُوَر جدیدِ کارکردِ شناختی نیز می‌شوند. این تغییرات، آگاهیِ انسان را به سطوح جدیدی، پیش می‌راند»(Luria, 1976/2010, p.240). اما این تغییر در گذار از چه مسیری محقق می‌شود؟ هرگاه طرح‌واره‌ها (که خود را به شکل عادات در رفتارها نیز نشان می‌دهد) به دلیل تغییر در اجتماع، امکانات و نیازها سودمند نباشند، امکان طرح پرسش برای فرد ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی پرسشی طرح می‌شود، طرح‌واره‌ای مورد پرسش قرار می‌گیرد و طرح‌واره‌ی دیگری جستجو می‌شود. پاسخ به پرسش، همانا یافتن طرح‌واره‌ای جدید است. اما چنانکه قاسم‌زاده بیان می‌کند: «تغییر صرف در طرح‌واره، هنوز به‌معنای تغییر در رفتار، تداوم کنش و واکنش و تعمیم آن نیست. تغییر وقتیَ در طرح‌واره‌ای ایجاد شد باید جنبه‌ی بیرونی و عملکردی پیدا کند: یعنی فرد انگیزه‌ی درونیِ خود را در جهانِ عینی، ابزاری کند، و به این ترتیب رفتارِ خود را تابع بازآفرینی‌های بیرونی خود بکند و یا به بیانِ دیگر، هر طرح‌واره‌ای، باید فرهنگی شود و در اینَ فرایندِ بیرونی‌سازی از خصوصیتی واسطه‌مندانه و نشانه‌شناختی برخوردار شود. در این صورت است که تغییر از حالتِ دورن‌فردیِ اولیه بیرون آمده و به‌صورت جمعیَ درمی‌آیدَ و منشاء خارجی پیدا می‌کند و در یک مسیر مارپیچی، به حالتِ درون‌فردیِ ثانویه تبدیل می‌شود.»(Ghasemzadeh, 2006, p.66)

لذا تغییرات عینی زندگی، با ایجاد پرسش و تلاش افراد برای پاسخ دادن به پرسش، ذهنی شده، و سپس دوباره به‌صورت واسطه‌مندانه و نشانه‌شناختی، عینی و ابزاری می‌شوند. عینی و ابزاری شدنِ آن‌ها، یعنی نمادین شدن طرح‌واره‌ها در فضا استَ که موجب تداوم شده و فرهنگ را می‌آفرینند. فرهنگ، از طریق آگاهی و به‌وساطت نشانه‌ها و نمادها در فضا بازنمایی می‌شود؛ رمزگانی نشانه‌شناختی که ترجمه‌ی منطقی و مفهومی آن بر عهده‌ی طرح‌واره‌های ذهنی است. که از همین رو «فرهنگ چیزی نیست که وجود داشته باشد. فرهنگ به‌وجود می‌آید، زاده می‌شود و می‌زایاند»(Ghasemzadeh, 2006, p.67). بنابراین، باورها، رفتارها و عادات انسانی را باید در فرایندِ تحولی تاریخی مورد مطالعه قرار داد؛ تحولی تاریخیَ که در گذر آن، فرهنگ‌ها شکل گرفته اند.

بحث: نقد آرای لوفور از منظر شناختی

طبق نظریه‌ی لوفور، فضای دریافته فضایی است که به‌صورت بلاواسطه و حس‌آگین (تن‌مند) ادارک می‌شود. این فضا در مقابلِ فضای پنداشته‌ی مهندسان و شهرسازان است که صورتی کلامی و مفهوم‌پردازی شده دارد؛ فضایی که به‌وسیله‌ی آن قدرت حاکم سعی بر ایجاد نظم و بازتولیدِ اجتماعی نیروهای تولید در فضای زیسته را دارد. به باور لوفور، در فضاهای زیسته است که امکان مقاومت به دلیل معانی و دلالت‌هایی که فضا در خود دارد، فراهم می‌آید؛ استعاره‌هایی که علیرغم خواست قدرت‌ها، نشانگر محدودیت‌ها و محرومیت‌ها بوده و به‌صورت شاعرانه و استعاری ذهن ساکنان شهر را متاثر می‌سازند.

مساله در آن است که چگونگی رخ دادن این دلالت‌ها و شکل‌گیری معانی در ذهن افراد در بیان لوفور، حالتی رازآلود داشته و تمایلات نیچه‌ای لوفور را آشکار می‌سازد. گویی فرض اساسی لوفور آن است که فضایی نمادین (که برای مثال یادآور فقر و محرومیت باشد) می‌تواند معنای معینی را در ذهن تمامی کاربران فضا ایجاد کند. به‌گونه‌ای که آگاهی‌های فردی، بر سرِ مسأله‌ای مشخص ـ که فضاهای بازنمودی یادآور آن هستند ـ به اجماع رسیده، مفاهیم و معانی مشترکی شکل‌گرفته و موجب مقاومت در برابر سرمایه‌داری شوند. وی بر آن است که می‌توان با تغییر در زندگی روزمره و چیرگی بر فضا، به هدف پروژه‌ی سیاسی مذکور دست یافت؛ فضایی که محل توجه او در راستای سازمان‌دهیِ مطرودانِ برخی جنبه‌های خشنِ سرمایه‌داریَ، افراد بی‌طَبقه، فمنیست‌ها، گروه‌هایَ جنسیتی، گروه‌های قومی و مانند آن است که تضادهای زندگی روزمره‌ی آن‌ها جایگزین تضاد کار و سرمایه شده است. از همین رو می‌گوید: «موضوع اصلی ما فضا است. معضل فضا، که مسائل حوزه‌ی شهری (شهر و الحاقاتش) و مسائل روزمره (مصرف برنامه‌ریزی شده) را جزو خود قرار می‌دهد، جای معضل صنعتی‌شدن را گرفته است»(Lefebvre, 1974/2016, p.130).

اما آیا نشانه‌هایی که در فضای زیسته وجود دارند، سبب شکل‌گیری معانی و مفاهیم همانندی در ذهن‌ها می‌شود؟ آیا شکل‌گیری معانی در ذهن آن رازآلودگی و شاعرانه را دارند که در بیان لوفور آمده است؟

یافته‌های دانش روان‌شناسی شناختی از منظر مکتب ویگوتسکیایی نشان داد که میان شکل‌گیری مفاهیم به‌صورت مفاهیمِ علمی یا آگاهی‌بخشیِ ایدئولوژیک با شکل‌گیریَ مفاهیم به شکل روزمرهَ تفاوت است. با این همه، از بحث ویگوتسکی در خصوص مفاهیم روزمره و مفاهیم علمی مشخص شد که نقش گزاره‌های منطقی و مفاهیم، در

سازمان‌بندی ادراک برجسته‌تر است. مفاهیم روزمره در برابر مفاهیم علمی جا می‌مانند و طرح‌واره‌های ذهنیِ مرتبط با مفاهیمِ علمی جایگزین طرح‌واره‌های ذهنیِ مرتبط با مفاهیمِ روزمره می‌شوند. مفاهیم روزمره اگرچه غنی از تجربه اند، اما ساختار منطقی و انتزاعی مفاهیمِ علمی را دارا نیستند. همچنین مفاهیم روزمره، بسته به زمینه و شرایط عینی موجود به‌صورت متفاوتی مقوله‌بندی می‌شوند.

این تفاوت به این معنا است که دلالت‌های نشانه‌شناختی و نمادین در فضاهای زیسته، یکسان نیستند. البته که چنین دلالت‌هایی صورت می‌پذیرد و ابژه‌های فضا در ذهن معنایابی می‌شوند، اما چنین دلالت‌هایی شکل مفاهیم روزمره را دارا هستند، و نه مفاهیم علمی؛ تجربی، روزمره و سیال هستند، نه علمی و دارای ساختار منطقی انتزاعی. بنابراین، حتا اگر گروه‌های متفاوتی از اجتماع بر سر پدیداری سیاسی توافق داشته باشند، از آن‌جا که شیوه‌ی اندیشه و نحوه‌ی دلالت‌های نشانه‌شناختی و معنایابی ایشان متفاوت است، دیر یا زود اختلاف‌ها و تضادها نمایان خواهند شد. زیرا آن افراد، در تحلیل آن پدیده، از روش و منطق یکسانی بهره نبرده اند، حتا اگر در نهایت به کنش‌های مشابهی ختم شوند؛ چرا که این از خصوصیات مفاهیم روزمره است.

برای مثال ممکن است دو فرد از بستر اجتماعی متفاوت باشند که هر دو از زندگی در حاشیه‌ی محروم شهر احساس کنند که به آن‌ها ظلم شده است و سر به شورش بردارند، اما چون در تحلیل‌شان دو شیوه و منطق متفاوت دارند یکی با ایجاد فضای سبز در نزدیکی خانه‌شان راضی شود، اما آن دیگری همچنان خود را محروم بیابد. از این رو، از منظر شناختیِ مطرح‌شده، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی لوفور و خوانشیِ که او از نحوه‌ی ادراک و معنایابی دلالت‌های نشانه‌شناختی در ذهن انسان داشت دقیق نیست.

اگرچه می‌توان در مورد ادراک حسّی و بدنی نیز به مطالعه‌ی فضای شهری پرداخت، اما روشن شد که اندیشه ماهیت گفتگویی و کلامی دارد که البته آگاهی فرد در امتداد آگاهی گروه اجتماعی او است. زنجره‌ی مولدی که به اندیشه ختم می‌شود، اگرچه از طریق تحریک حواس و عواطف و ایجاد قصدمندی شروع می‌شود، اما هنوز شکل نهایی اندیشه را به خود نگرفته است. شاعرانگی مد نظر لوفور در فضای زیسته، و تحریکات حواس در فضای دریافته یا به ادراک درآمده، هیچ‌یک به‌وسیله‌ی شهودی رازآلود، یا مانند یک الهام، منجر به اندیشه و در نتیجه کنش برآمده از آن نمی‌شوند. برای فهم چگونگی تحلیلِ فضای شهری در ذهن انسان و تفسیر و معنی‌دهی به آن، به‌کارگیری مدل انتزاعی ساخت‌واره‌ها یا طرح‌واره‌های ذهنی مفید است.

بیان شد که طرح‌واره‌های ذهنی، عنصر پویای ذهن و بازنمایی انتزاعی خصوصیات متمایز کننده‌ی وقایع هستند، که قالبی گزاره‌ای و مفهومی دارند. اهمیت طرح‌واره‌های ذهنی، که متشکّل از مفاهیم و پیوندِ میان آن‌ها است، در نقش کلیدی است که در بازیابی اطلاعات از حافظه و دریافت، تحلیل و تفسیر دروندادها ایفا نموده و از این رو در شکل‌گیری معنا در ذهن دخالت می‌کنند. طرح‌واره‌های ذهنیِ افراد متمایز از یکدیگر است، مگر آنکه آموزش واحدی دیده باشند و دو فرد عین هم پرورش یافته باشند، که در عمل تحقق چنین چیزی ساده نیست. برای مثال، هیچ دو فردی طرح‌واره‌ای کاملاً یکسان از یک میدان یا خیابان مشخص در شهر در سر ندارند. قسمتی از طرح‌واره‌ی شخصی از خیابان انقلاب با کتاب‌فروشی‌های روبه‌روی دانشگاه پیوند خورده است، که یادآور کتاب‌های داستانی است که او خوانده است، اما برای شخصی دیگر طرح‌واره‌ی همان قسمت از خیابان انقلاب، در پیوند با جنبش‌های دانشجویی است، و برای شخصی دیگر تنها یادآور خیاطی است که در یکی از ساختمان‌های جنب خیابان کت و شلوارش را می‌دوخت. اما این زنجیره‌ی تداعی‌ها می‌توانند همچنان ادامه یابد، خیاط یادآور جشنی باشد، جنبش دانشجویی یادآور وقایع خیابان شانزده آذر، و برای فرد اول، رمان‌ها یادآور اوقات خوش جوانی. این مثال ساده نشان می‌دهد که تا چه اندازه استعاره‌ها پیچیده عمل می‌کنند و از فردی به فرد دیگر در تغییر اند. لذا آن دریافت معانی در فضای زیسته که لوفور بر آن تاکید داشت، در پیچیدگی روابط مفهومی است که از طریق طرح‌واره‌های ذهنی افراد معنایابی می‌شوند؛ طرحواره‌هایی که هر اندازه افراد متعلق به گروه‌های اجتماعی مشابه‌تری باشند، احتمالاً تشابهات مفهومی و ربط‌های مفهومی بیشتری دارند.

فرهنگ را نیز می‌توان با استفاده از مدل طرح‌واره‌های ذهنی تعریف کرد: تغییرات عینی جهان برای فرد ایجاد پرسش و انگیزه می‌کند. فرد پاسخی اولیه به این پرسش داده، و در شکل عالی خود، طرح‌واره‌ای جدید ایجاد می‌شود. اما با بیرونی‌شدن ایده و عینیت یافتن و نهادینه‌شدن آن در جامعه است که فرهنگ تغییر می‌کند. هنگامی‌که طرح‌واره‌های جدید نهادی شده و در گروه‌های اجتماعی شایع گردند، فرهنگ جمعی یا گروهی آن‌ها را می‌سازد یا تغییر می‌دهند. از این طریق فرهنگ بر کنش گروه‌های اجتماعی اثر می‌گذارد و متعاقباً کنش‌های فردی را نیز تغییر می‌دهد. تسلط بر محتوای فضای شهری، جعل محتوا، و تحریف شناخت از طریق امور نمادین و ابزارهای دیگری که به قول لوفور عاملان هژمونی در اختیار دارند(Lefebvre, 1974/2016, p.40) ابزارهایی فرهنگی هستند که برنامه‌ریزی و طراحی‌شهری تنها یکی از ابزارهایی است که می‌تواند له یا علیه قدرت مورد استفاده قرار گیرند.

اما این مهم را نیز باید در نظر گرفت که طرحواره‌های ذهنی به سادگی تغییر نمی‌کنند و نیازمند فضای بیان و عمل هستند(Parsi & Farmahini Farahani, 2017, p.310). تحقق ایده و فرهنگی شدنِ طرحواره، بستگی بسیار به زمینه دارد. این زمینه‌ی تاریخی است که امکان تحقق ایده و عینی شدن آن را فراهم می‌آورد. چه بسا ایده‌های درخشانی که در زمانه‌ای از تاریخ طرح، اما در نطفه خفه شده باشند و قرن‌ها طول کشیده باشد که همان ایده مجدداً امکان ظهور و تحقق یافته باشد.

به‌معنای دیگر، زمینه‌ی اجتماعی و تغییرات مادی و معنوی است که امکان طرح‌پرسش فرضیه‌آزمایی و یافتن پاسخ جدید را فراهم می‌آورد. همچنین، طرحواره‌ی ذهنی جدید، اگر امکان نهادینه شدن و جمعی شدن نیابد، بدل به فرهنگ، و در نتیجه، ایجاد معنای جمعی در فضای اجتماعی نمی‌شود. شکل ۱، نقش فضای اجتماعی را در شکل‌گیری و تغییر در طرحواره‌های ذهنی و تولید فضا نشان می‌دهد. وجودِ اجتماعی به‌وساطتِ محیط فرهنگی، اعم از فرهنگ مادی و معنوی، بر روان انسان‌ها اثر کرده، و با اثرگذاشتن بر سازمان‌بندی ادراک و به‌طور اخص بر طرحواره‌های ذهنی، آن‌ها را سازمان می‌بخشد و در پردازش اطلاعات و در نتیجه در کنش افراد ـ که سازنده‌ی فضا هستند ـ تاثیر می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های دانش روان‌شناسی شناختی و مباحث طرح‌شده در مورد نقش طرحواره‌های ذهنی در رابطه با سه‌گانه‌ی فضایی نظریه‌ی تولید فضای لوفور شامل چند بحث کلیدی است که در مطالعات فضایی باید به آن‌ها توجه کرد: ۱)آگاهی به‌وساطتِ مفاهیمی عمل می‌کند که طرحواره‌های ذهنی را می‌سازند؛ ۲)از آن‌جا که واقعیت در تغییر است، مفاهیم نیز در گذر زمان تغییر می‌پذیرند و تغییر در مفاهیم و روابط آن‌ها از طریق طرح پرسش، یافتن پاسخ و آموزش و نهادسازی موجب تغییرِ طرحواره‌های ذهنی می‌شود. ۳)آگاهی فرد، ساختیِ جمعی دارد، یعنی متاثر از گروه‌های اجتماعی است که فرد عضوی از آن‌ها است. ۴)عاملان هژمونی به‌کمکِ تحریف شناختی، تاحدودی فضای فرهنگی و فضایِ زیسته را در اختیار می‌گیرند. تعریف فرهنگ از طریق مدل طرحواره‌های ذهنی سبب می‌شود که چگونگی تولید و تغییر فضا روشن شود، بدون آنکه به کژی‌های شناختی نظریه‌ی لوفور گرفتار آییم.

با بررسی سه‌گانه‌ی فضایی لوفور در برخورد با مکتب ویگوتسکیایی شناخت و با بهره‌گیری از مفهوم طرحواره ذهنی مشخص شد دلالت‌های نشانه‌شناختی در فضای زیسته نه به‌صورتِ شاعرانه و رازآلودی که در بیان لوفور نهفته است، بلکه از

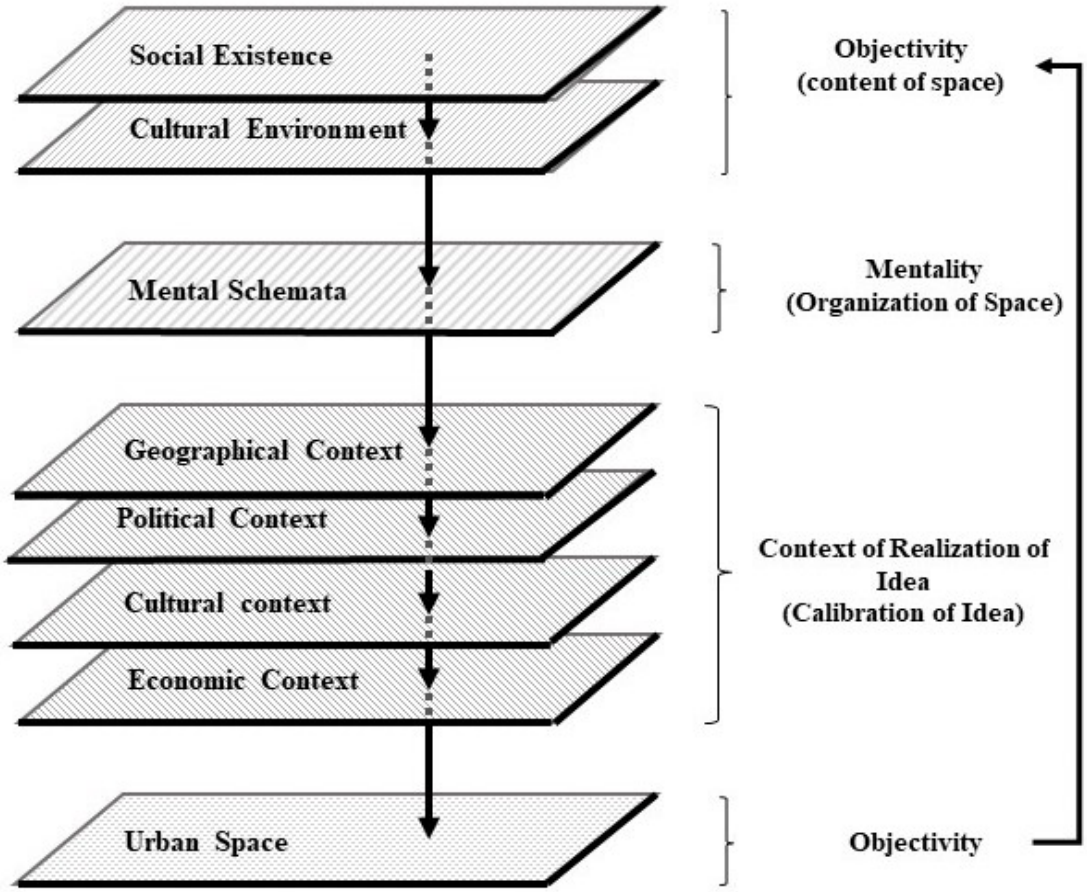

Fig. 1. Role of mental schemata in production of space

طریق نقشی که مفاهیم و روابط میان آن‌ها در قالب طرح‌واره‌های ذهنی دارند برقرار می‌شوند. اندیشه ماهیتی کلامی و گفتگویی داشته و تا زمانی که به شکل کلمه و گزاره‌های بامعنا در نیامده باشد، صورت نهایی خود را نخواهد یافت.

از سوی دیگر در تحلیلی که از مفاهیم روزمره و مفاهیم علمی ارائه شد، مشخص گشت که دریافت‌ها و اندیشه‌هایی که به دلیل استعاره‌ها و دلالت‌های نشانه‌شناختی ـ که در فضای زیسته و از طریق بازنمایی‌های فضایی مد نظر لوفور ـ رخ می‌دهد، در سطح مفاهیم روزمره اند. بنابراین ساختار منطقی مفاهیم علمی را ندارند و حتا اگر انتهای این زنجره‌ی تداعی‌ها به کنش مشابهی بیانجامند، چون با روش استنتاجی و با بهره‌گیری از مفاهیم و پیوندهای متفاوت میان آن‌ها در قالب طرح‌واره‌های ذهنی به آن کنش ختم شده اند، دیر یا زود تفاوت و تضاد آن‌ها آشکار خواهد شد. بنابراین پروژه‌ی سیاسی لوفور ـ یعنی آن جامعه‌ی آرمانی که از طریق مقاومت گروه‌های مختلفی چون محرومان، افراد بی‌طبقه، گروه‌های قومی، گروه‌های جنسیتی و غیره در برابر نظام سرمایه‌داری محقق خواهد شد، بیشتر یک خیال و تصور شاعرانه است تا تحلیلی علمی از وضعیت‌های ذهنی آن گروه‌ها.

برای مطالعه‌ی محتوای فضا باید طرح‌واره‌های انسانِ قصدمندِ کنشگرِ اجتماعاً رشد کرده‌ای را مطالعه نمود که آگاهی‌اش به‌وساطتِ سیستم‌های نشانه‌شناختی و ابزارها شکل گرفته و البته در گذر زمان تغییر می‌پذیرد. از آن‌جا که آگاهی هر فرد متاثر از گروه اجتماعی است که فرد عضوی از آن است، باید طرح‌واره‌های ذهنی گروه‌های اجتماعی در خصوص یک فضای معین را مطالعه کرد.

چنین مطالعه‌ای باید به زمینه و دگرگونی‌های تاریخی حساس باشد. به علت آن‌که زمینه‌ی مادی و معنوی (بستر مادی تاریخی و بستر معنوی فرهنگی) که فرد در آن عمل می‌کند پیوسته در تغییر است، مفاهیم و معانی‌ای که در ذهن انعکاس می‌یابند نیز در تغییر و شوند هستند.

پی‌نوشت

1. Spatial Practice
2. Representations of Space
3. Representational Space
4. Cognitive Psychology
5. Mental Schema
6. Vygotskian school
7. Structurationist ontology

۸. نظریه‌ی فرهنگی-تاریخی ویگوستکی این امکان را فراهم می‌آورد که سه‌گانه‌ی فضایی لوفور را نقد کرده و متوجه شویم که فرهنگ چگونه عمل کرده، و فضاهای تمثیلی و نمادین در لحظه‌ی سوم مد نظر لوفور چگونه در ذهن عمل نموده، و به بازتولید فضایی سرمایه‌داری منجر می‌شود. اگرچه اوج فعالیت ویگوتسکی در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری شوروی سابق بود، ویگوتسکی برای ساختن یک نظریه‌ی روانشناسی بر پایه افکار دترمینیستی عمل نکرد(Elhammoumi, 2010, p.661)؛ بلکه او به مسیر علمی متعهد بود. افکار او نه‌تنها برای سال‌ها در شوروی مهجور ماند، بلکه تا نیم قرن در محافل علمی غرب نیز ناشناخته مانده بود(Matusov, 2015: 316). به‌تدریج با شناخت هرچه بیشتر تئوری ویگوتسکی، بسیارانی در بسط اندیشه‌های او کوشیدند. آرای او از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد، کم‌کم در آثار مرتبط با زبان‌شناسی اجتماعی(Heath, 1983)، انسان‌شناسی(Lave & Wenger, 1991)، روان‌شناسی(Cole, 1996; Rogoff, 1990)، تعلیم و تعلم(Cazden and Cordeiro, 1992) و مطالعات ادبی(Gee, 1996) قابل ردگیری است. از جمله کسانی که تا سال‌ها پس از ویگوتسکی در همان مکتب فکری فعالیت کرد، الکساندر رومانوویچ لوریا، همکار و شاگرد ویگوتسکی بود. لوریا خط فکری ویگوتسکی را در زمینه‌ی روان‌شناسی شناخت، حافظه و اندیشه و زبان پی‌گرفت(Luria, 1968/2004; 1976/2010; 1981/2011; 1972/2013). تیخومیرف(Tikhomirov, 1999) نیز متاثر از اندیشه‌های ویگوتسکی بود، و مایکل توماسِلّو (Tomasello, 1999/2018) خود را به کلی ویگوتسکیایی می‌داند. بسط آرای ویگوتسکی را نیز می‌توان در حوزه‌ی منطق در کارهای دیگرانی مانند ایلینکوف(Ilyenkov, 2008/2014) نیز ردیابی کرد. در ایران نیز، افکار ویگوتسکی برخی اندیشمندان (Rashtchi, 2010؛ Maarefvand, 2010؛ Hajhosseiny & Mehran, 2012؛ Ahmadi & Abdolmaleki, 2014؛ Gholami Haredashti & Rashidpoor, 2015؛ و دیگرانی چند) را در حوزه‌ی پداگوژی متاثر ساخت. در حوزه‌ی ادبیات(Arizi Samani, 2002؛ Azabdaftari, 1996, 2003, 2011؛ Pirouz & Ghafoori, 2017) نیز آرای ویگوتسکی نفوذ کرده است. همچنین، کتاب دیگری از ویگوتسکی با عنوان «روان‌شناسی هنر»(Vygotsky, 1971/1998) در سال ۱۳۷۷ به فارسی ترجمه شده است. آرای ویگوتسکی کمک می‌کند که مفاهیمی چون «جمع»، «دیگری»، «محیط» و حتا «شهر» در مطالعه‌ی کنش و فعالیت انسانی از زاویه‌ی شناختی آن قابل مطالعه باشند. گرایش به مفاهیم فوق‌الذکر، اگرچه از قدَیم سابقه دارد، اما بازگشت به آن‌ها توسط جامعه‌شناسان متاخری مانند نوربرت الیاس که با مکاتب جدیدتر روان‌شناسی برخورد کرده بودند، دارای معنا است. برای مثال، الیاس در کتاب مشهورش با عنوان «در باب فرایند تمدن: بررسی‌هایی در تکوین جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن»(Elias, 1939/2014) به روان‌شناسی و دیدگاه‌های آنان واکنش نشان داده(Heinich, 1997/2015, p.76) و بر اهمیت بُعدِ جمعیِ هویتِ فردی تاکید می‌ورزد(Heinich, 1997/2015, p.117).

9. Immediate
10. Becoming
11. Sublation

«نفی با حفظ یا حفظ با نفی، رفع نامیده می‌شود(Popov, 2010/2016, p.123).

۱۲. Bildung همزمان دربرگیرنده‌ی سه مفهوم، یعنی آموزش، شکل‌گیری (به معنای داشتن شکل مفهومی(و فرهنگ است. از دید هگل(Hegel, 1807/2014)، فرایند شناخت ـ که از مراحل منفیت می‌گذرد ـ به واسطه‌ی آن چیزی که به آلمانی Bildung می‌خواند صورت می‌پذیرد. مترجمان انگلیسی هگل، واژه‌ی Bildung را در زبان انگلیسی هم معادل تعلیم و تعلم و آموزش education گرفته اند و هم فرهنگ culture.

13. Syncretic grouping
14. Complexes
15. Potential concepts
16. Meaning
17. Sense
18. Inner Speech
19. Cognitive distortion

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده، که به نویسنده‌ی اول مقاله اجازه‌ی حضور در کلاس درسشان را داده و در زمینه‌ی علوم شناختی رهنمودهای مفیدی را در جلسات خصوصی بیان فرمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش

هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

تاییدیه‌های اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیهٔ اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

منابع مالی/ حمایت‌ها

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

مشارکت و مسئولیت نویسندگان

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته و به طور برابر مسئولیت تمام محتویات و مطالب گفته‌شده در مقاله را می‌پذیرند.

References

1. Ahmadi, G.A., Abdolmaleki, Sh. (2014). Investigating the Effect of Education Based on Socio-Cultural Approach of Vygotsky on Cognitive-Social Development of Preschool Students of Sanandaj. *New Thoughts on Education*, 10(2), 33-58.
2. Arizi Samani, H. R. (2002). Baz-shenasi Vygotsky [Recognition of Vygotsky], *Ketab-e Mah-e Adabiat*. Vol.62, 3(3), 108-111.
3. Azabdaftari, B. (1996). Vygotsky va Moammaye Terajedi Hamlet [Vygotsky and The Tragedy of Hamlet Mystery]. *Chista*. Vol.128, 115-138.
4. Azabdaftari, B. (2003). Roykard-e Vygotsky be adabiat va honar [Vygotsky's Approach to literature and art]. *Ketab-e Mah-e Adabiat*. Vol.76, 72-79.
5. Azabdaftari, B. (2011). Hekayat-e Tamsili Fabel: mashghale nazar-e Vygotsky [Fable's allegorical anecdote: Vygotsky's Concern]. *Ketab-e Mah-e Adabiat*. Vol.163, 4-13.
6. Bachelard, G (2013). *La Poétique de l'Espace.* (Translated from English (J. R. Stilgoe, 1994) to Persian by M. Kamali & M. Shirbache). Tehan: Roshangaran va Motaleat-e Zanan Press. (Original work published 1957).
7. Bakhtin, M. M. (2018). *Problems of Dostoevsky's Poetics*. (Translated from English (ed. and trans. C. Emerson, 1984) to Persian by S. Solhjou). Tehan: Niloofar Press. (Original work published 1963).
8. Barohny, E. (2016). Bringing Vygotsky and Bakhtin into the second Language classroom: A focus on the unfinalized nature of communication. *Language Teaching and Learning*, 6(1), 114-125.
9. Bartlett, F. (1932). *Remembering: A Study in Experimental and Social Psychology*. Cambridge University Press, Cambridge.
10. Basin, Y. I. (2005). *Semantic Philosophy of Art*. (Translated from English to Persian by B. Eslahpazir). Tehran: Niloofar Press. (Original work published 1979).
11. Bateni, M. (2013). Naghsh-e Avatef dar Tasmimgiri-ye Kheradmandane [The Role of Affetcs in Reasonable Deciding]. *In Cognition & Affect, Clinical and Social Aspects*, (Edited by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Press.
12. Benjamin, W (1985). One-way street. In *One-way Street and other writings*. London: Verso, pp: 45-104. (Original work Published 1928).
13. Brenner, N. (1997). Global, fragmented, hierarchical: Henri Lefebvre's geographies of globalization. *Public Culture*, 10(1):137–169
14. Brenner, N. (2000). The urban question as a scale question: Reflections on Henri Lefebvre, urban theory and the politics of scale. *International Journal of Urban and Regional Research*, 24(2), 361–378.
15. Brenner, N., & Elden, S. (2009). Introduction: State, space, world. In H. Lefebvre (Eds.), *State, space, world: Selected essays,* pp.1–48. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
16. Brewer, W. F., and Nakamura, G. V. (1984). The nature and functions of schemas. In R. S. Wyer, Jr. & T. K. Srull (Eds.), *Handbook of social cognition, Vol. 1*, pp. 118-160). Mahwah, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
17. Buser, M. (2012). The production of space in metropolitan regions: A lefebvrian analysis of governance and spatial change. *Planning Theory*, 11(3), 279-298.
18. Butler, C. (2012). *Henri Lefebvre: Spatial Politics, Everyday Life and the Right to the City*. London: Routledge.
19. Cazden, C.B. and Cordeiro, P. (1992). *Whole Language Plus: Essays on Literacy in the United States and New Zealand*. Teachers College Press, New York
20. Cole, M. (1996). *Cultural Psychology: A Once and Future Discipline*. Harvard University Press, Cambridge, MA.
21. Craib, I. (2018). *Modern Social Theory: From Parsons to Habermas*. (Translated from English to Persian by A. Mokhber). Tehran: Agah Press. (Original work published 1984).
22. Daniels, Harry, Michael Cole & James V. Wertsch. (2007). *the Cambridge Companion to Vygotsky*. New York: Cambridge University Press.
23. De Certeau, M. (1984). *The practice of everyday life*. Berkeley, Ca: University of California Press.
24. Elden, S. (2004). *Understanding Henri Lefebvre*. London, England: Continuum.
25. Elden, S. (2007). There Is a Politics of Space Because Space is Political. *Radical Philosophy Review*. 10(2), 101-116.
26. Elhammoumi, M. (2010). Is 'back to Vygotsky' enough? The legacy of socio-historicocultural

psychology. *Psicologia em Estudo, Maringá*, 15(4), 661-673.
27. Elias, N. (2014). *Über den Prozeß der Zivilisation. Soziogenetische und psychogenetische Untersuchungen.* (Translated from German to Persian by Gh. Khadivi). Tehran: Jame-Shenasan Press. (Original work published 1939).
28. Fanni, Z., Mahmoodi, L. (2018). Tolid-e faza shahri: dar goftman-e seganeh Lefebvre va Paradaim-e shahri-e Mumford [Production of Urban space; In Lefebvre's Triad discourse and Mumford's paradigm]. *Roshd-e Amoozesh-e Joghrafia*, No.120, 36-42.
29. Fillmore, C. J. (1975). An alternative to checklist of meaning. In *Proceeding of the first annual meeting of the Berkeley Linguistic Society*, University of California, Berkeley.
30. Fyfe. N.R. (1996). Contested visions of a modern city: planning and poetry in postwar Glasgow. *Environment and Planning A*, 28(3), 387–403.
31. Gee, J.P. (1996). *Social Linguistics and Literacies: Ideology in Discourses*, (2nd ed.) Taylor & Francis, London.
32. Ghasemzadeh, H. (2006). Tarhvare-ye Zehni, Farhang va Taghir [Mental Schema, Culture and becoming]. *Baztab-e-Danesh: A journal on Cognition, Brain & Behavior*, Vol.1, 57-68.
33. Ghasemzadeh, H. (2013a). Shenakht va afsordegi [Cognition and Depression]. In *Cognition & Affect, Clinical and Social Aspects*, (Edited by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Publication.
34. Ghasemzadeh, H. (2013b). Pardazeshe tarhvare-ei va farayand-e taghir (dar afsordegi) [Schematic processing and change process (in depression)]. In *Cognition & Affect, Clinical and Social Aspects*, (Edited by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Publication.
35. Gholami Haredashti, S., Rashidpoor, R. (2015). Nazarie zaban Vygotsky va ertebat-e an ba mabani nazari amoozesh falsafeh be koodakan [Vygotsky's theory of language and its relation to the theoretical foundations of teaching philosophy to children]. *Falsafe va Koodak*. Vol.9, 91-102.
36. Habibi, M., Amiri, M. (2016). Right to the City from Current to Ideal City. *Iranian Journal of Anthropological Research (IJAR),* 5(2), 9-30.
37. Hajhosseiny, M., Mehran, G. (2012). Vygotsky and Frieri in dialogue-based education. *Foundations of Education*, 1(2), 21-38.
38. Harvey, D. (2016). *Social Justice and the City*. (Translated from English to Persian by M. R. Haeri) Tehan: Sazman Fanavari Etelaat va Ertebatat Shahrdari Tehran. (Original work published 1973).
39. Heath, S.B., (1983). *Ways with Words: Language, Life, and Work in Communities and Classrooms*. Cambridge University Press, Cambridge, UK.
40. Hedges, H. (2012). Vygotsky's phases of everyday concept development and the notion of children's "working theories". *Learning, Culture and Social Interaction*. 1, 143–152.
41. Hegel, G. W. F. (2014). *The Phenomenology of Spirit*. (Translated from English to Persian by B. Parham). Tehran: Kandokav Publication. (Original work published 1807).
42. Hegel, G. W. F. (2018). *Science of Logic*. (Translated from English to Persian by B. Eslahpazir). Tehran: Roozamad Publication. (Original work published 1812).
43. Heinich, N. (2015). *La sociologie de Norbert Elias*. (Translated from French to Persian by A. Nikgohar). Tehran: Ney Publication. (Original work published 1997).
44. Hyman, R. (2017). *The Nature of Psychological Inquiry*. (Translated from English to Persian by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Publication. (Original work published 1964).
45. Ilyenkov, E. V. (2014). *Dialectical Logic; Essays on its History and Theory*. (Translated from English to Persian by B. Eslahpazir). Tehran: Roozamad Publication. (Original work published 2008).
46. Jahanbegloo, R. (2003). *Ta'ammolat-e Hegeli [Hegelian Thoughts]*. Tehran: Ney Publication.
47. Javan, J., Dalil, S., Salmai Moghaddam, M. (2013). Lefebvre's Dialectic of space. *Arid Regions Geographic Studies*. 3(4), 1-17. http://journals.hsu.ac.ir/jarhs/article-1-368-fa.html
48. Kozulin, A. (2013). *Vygotsky's Psychology: A Biography of Ideas*. (Translated from English to Persian by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand. (Original work published 1999).
49. Lave, J., and Wenger, E., (1991). *Situated Learning: Legitimate Peripheral Participation*. Cambridge University Press, Cambridge, UK.
50. Lefebvre, H. (2009). Social Product and Use Value. In *State, Space, World, Selected Essays* (edited by N. Brenner and S. Elden, Translated by G. Moor, by N. Brenner and S. Elden). University of Minnesota Press. (Original work published 1979).
51. Lefebvre, H. (2016). *The Production of Space*. (Translated From English to Persian by M. Abdollahzadeh). Tehran: Markaz-e Motale'at va Barnamerizi-e Shahr-e Tehran. (Original work published 1974).
52. Lloyd, c. (1997). Explaining the history of economic and social structure. (Translated from English to Persian by H. Nozari). *Tarikh-e Moaser-e Iran*. 1(3), 93-134. (Original work published 1993).
53. Luria, A. R. (2004). *The Mind of a Mnemonist: A Little Book about a Vast Memory*. (Translated from English (by L. Solotaroff) to Persian by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Publication. (Original work published 1968).
54. Luria, A. R. (2010). *Cognitive Development, Its Cultural and Social Foundations*. (Translated from English to Persian by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Publication. (Original work published 1976).
55. Luria, A. R. (2011). *Language and Cognition*. (Translated from English to Persian by H.

71. Pirouz, Gh., Ghafoori, E. (2017). Analysis of Attar Nishapuri's Mantiq-ut-Tayr and Mosibat-Nama based on constructivism theory Vygotsky and Bruner. *JBA (Boostan Adab)*. 9(3), 19-44.
72. Popov, M. B. (2016). ЛЕКЦИИ ПО ФИЛОСОФИИ ИСТОРИИ (Lectures on the Philosophy of Hitory). (Translated from Russian to Persian by S. Farahani). Tehran: Sales Publication. (Original work published 2010).
73. Rafieian, M., Alvandipour, N.(2015). Mafhoom-pardazi andishe hagh be shahr: dar jostojuye modele mafhoumi [Conceptualizing Right to the City Thought: Searching Conceptual Model]. *Iranian Sociological Association*. 16(2), 25-47. http://www.jsi-isa.ir/article_21110.html
74. Rashtchi, M. (2010). A psychological survey of Vigotsky's theory and its relationship with the theoretical foundations of teaching philosophy to children. *Tafakkor va Koodak [Thought and kid]*. 1(1), 3-20. http://fabak.ihcs.ac.ir/article_263.html
75. Rogoff, B. (1990). Apprenticeships in thinking. New York: Oxford University Press.
76. Ronneberger, K. (2008). Henri Lefebvre and Urban everyday life: In research of possible. In *Space, Difference, Everyday Life: reading Henri Lefebvre*. (Goonewardena K, Kipfer S, Milgrom R and Schmid C (eds)). pp.134-146. New York: Routledge.
77. Rumelhart, D. E. (1975). In "Notes on a schema for stories". D. G. Bobrow & A. Collins (Eds.), *Representation and Understanding*. New York: Academic Press.
78. Saunders, P. (2013). *Social Theory and the Urban Question* (2nd ed). (Translated from English to Persian by M. Sharepoor). Tehran: Tisa. (Original work published 1986).
79. Schmid C. (2008). Henri Lefebvre's theory of the production of urban space: towards a three-dimensional dialectic. In *Space, Difference, Everyday Life: reading Henri Lefebvre*. pp.27-45 (Goonewardena K, Kipfer S, Milgrom R and Schmid C (eds)). pp.134-146. New York: Routledge.
80. Shields, R. (1989). Social Spatialisation and the Built Environment: The Case of the West Edmonton Mall. *Environment and planning D: Society and Space*, 7(2), 147-164.
81. Shields, R. (1999). *Lefebvre, Love and Struggle: Spatial Dialectics*. London: Routledge.
82. Shojaeivand B, Rostaei S, Asgari Zamani A. (2018). Spatial Representation and Production and Reproduction of the Mental Image: Lefebvre's Trialectic Approach. *Arid Regions Geographic Studies*. 2018; 9(3),1-19. http://journals.hsu.ac.ir/jarhs/article-1-1443-fa.html
83. Simmel, G, (1997). The metropolis and mental life. (D. Frisby and M. Featherstone (eds)) In *Simmel on culture*. London and Newbury Park, Ca: Sage, pp: 174-185. (Original work published 1903).
84. Simonsen, K. (2005). Bodies, Sensations, Space
Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Publication. (Original work published 1981).
56. Luria, A. R. (2013). *The Man with a Shattered World: The History of a Brain Wound*. (Translated from English to Persian by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Publication. (Original work published 1972).
57. Maarefvand, M. (2010). Learner-base Apprenticeship. *Social Science*. 17(3), 172-207.
58. Marx, k. (2015). *Economic and Philosophic Manuscripts of 1844*. (Translated from English to Persian by H. Mortazavi). Tehran: Ashian. (Original work published 1932).
59. Matusov, E. (2015). Vygotsky's Theory of Human Development and New Approaches to Education. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2nd edition, Volume 25, pp: 316-321.
60. McCann, E. (1999). Race, protest, and public space: contextualizing Lefebvre in the US city. *Antipode*, 31(2), 163–184.
61. Merleau-Ponty, M. (1962). *Phenomenology of perception*, Translated by C. Smith. New York: Humanities Press.
62. Merrifield, A. (1995). Lefebvre, Anti-logos and Nietzsche: an alternative reading of the production of space. *Antipode*, 27(3), 294-303.
63. Merrifield, A. (2006). *Henri Lefebvre: A Critical Introduction*. London: Routledge.
64. Merrifield, A. (2016). Place and Space: A Lefebvrian Reconciliation. (Translated from English to Persian by A. Torkameh). (Original work published 1993). In *Daramadi bar tolid-e faza-ye Henry Lefebvre*, (2nd ed). Tehran: Tisa. (Original work published 1993).
65. Minsky, M. (1975). *A framework for representing knowledge*. In P. H. Winston (Ed.), "the Psychology of Computer Vision". New York: McGraw-hill.
66. Mokri, A. (2013). Tasire Atefe va Hayajan dar ekhtelal-haye shenakht-e chehre va shenasaee ashkhas [The effect of emotions and excitement on facial recognition disorders and finding individuals]. In *Cognition & Affect, Clinical and Social Aspects* (Edited by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Publication.
67. Navabakhsh, M., Ahmadi, G. (2012). Analysis of City-Dwelling the Growth Process of New Middle Class in Iran. *Hoviat Shahr*, 6(3), 27-38.
68. Nietzsche, F. (1994). Über Wahrheit und Lüge im aussermoralischen Sinne. (Translated to Persian by M. Farhadpour). *Arghanoon*, 1(3), 121-136. (Original work published 1896).
69. Parsi, H. R., Farmahini Farahani, B. (2017). Mental Schema, Urban Space, Creativity. *ARMANSHAHR Architecture and Urban Development*. 9(2), 305-315. http://www.armanshahrjournal.com/article_44634_en.html.
70. Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research & evaluation methods: integrating theory and practice* (Fourth Edition). Thousand Oaks, CA: Sage.

and Time: The contribution from Henri Lefebvre. *Georgr*. Ann. 87B (1): 1-14.
85. Smith, N. (1984). *Uneven Development: Nature, Capital and the Production of Space*. Oxford: Basil Blackwell.
86. Soja, E. W. (1989). *Postmodern Geographies: The Reassertion of Space in Critical Social Theory*. London: Verso.
87. Soja, E. W. (1996). *Third space: expanding the Geographical Imagination*. London: Blackwell.
88. Stanek, L. (2011). *Henri Lefebvre on Space: Architecture, Urban Research and the Production of Theory*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
89. Stein D.J. (1992) Schemas in the cognitive and clinical sciences: An integrative construct. *Psychother Integrat,* 2, 45–63.
90. Stewart, L. (1995). Bodies, visions, and spatial politics: a review essay on Henri Lefebvre's The Production of Space. *Environment and Planning D*; Society and Space, 13, 609-618.
91. Tikhomirov, Oleg K. (1999). The theory of activity changed by information technology. In *Perspectives on Activity Theory* (Yrjö Engeström, Reijo Miettinen, Raija-Leena Punamäki, (Eds.)). Cambridge University Press, 347-360.
92. Todorov T. (2017). *Mikhail Bakhtin: The Dialogical Principle* (Translated from to Persian by D. Karimi). Tehran: Markaz Press. (Original work published 1984).
93. Tomasello, M. (2018). *The Cultural Origins of Human Cognition* (Translated from English to Persian by M. Nasiri). Tehran: Naghd-e Farhang Press. (Original work published 1999).
94. Vygotsky, L. S. (1998). *The psychology of art*. (Translated from English to Persian by B. Azabdaftari). Tabriz: Tabriz University Press. (Orginal work published 1971).
95. Vygotsky, L. S. (2008). *Thought and language*. (Translated from English to Persian by H. Ghasemzadeh). Tehran: Arjmand Press. (Original work published 1934).
96. Wright, J. H., Thase, M. E., Basco, M. R. (2017). *Learning Cognitive-behavior Therapy: An Illustrated Guide*. (Translated from English to Persian by H. Ghasemzadeh & H. Hamidoor). Tehran: Arjmand Press. (Original work published 2006).
97. Young, J. E., Klosko, J. S., Weishaar, M. E. (2015*). Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. (Translated from English to Persian by H. Hamidpour & Z. Andouz). Tehran: Arjmand Press. (Original work published 2003).

Print ISSN: 2228-589X
Online ISSN: 2645-7148

To develop and advance scientific advancement in the architecture and urban development fields and the qualitative development of specialist forces and progress educational and research affairs in the architecture, landscape architecture, urban planning, urban design, restoration of textures and buildings, industrial design fields and like them, the Semiannual Journal of Iranian Architecture and Urbanism(JIAU) has been publishing a scientific-research journal that has been published since early 2010 to document and enhance related research.

Aims

- Creating and promoting a suitable platform for the exchange of science and knowledge in the fields of architecture and urbanism.
- Documenting and strengthening research related to the fields of architecture and urbanism.
- Informing experts and researchers in the fields of architecture and urbanism of the latest findings and achievements of Iran and the world

Scopes

- Architecture (Landscape Architecture, Sustainable Architecture, Technology and Energy in Architecture, Architectural Education)
- Art History
- Urbanism(Urban Planning, Regional Planning, Urban Design, Urban Management)
- Restoration and Protection of Textures, Buildings and Objects
- Industrial Design (Product Design, Art Research)

Publication Ethics

- All articles of the Journal are Open Access. Journal of Iranian Architecture and Urbanism (JIAU) follows the terms outlined by the Creative Common's Attribution (CC-BY) to be the standard terms for Open Access.
- We accept all terms and conditions of COPE about plagiarism and in case, any attempt of plagiarism is brought to our attention accompanied by convincing evidence, we act based on flowcharts and workflows determined in COPE.
- Journal of Iranian Architecture & Urbanism(JIAU) follows a double blind peer-review policy, and the submitted articles will be published after reviewing and editorial approval.

Licence Holder: Iranian Scientific Association of Architecture & Urbanism
Director-in-Charge: Mohsen Faizi
Editor- in- Chief: Mostafa Behzadfar

Internal editorial board (in alphabetical order):
Behzadfar, Mostafa; Professor of Urban Design, Iran University of Science & Technology.
Bemanian, Mohammadreza; Professor of Architecture, Tarbiat Modarres University.
Diba, Darab; Professor of Architecture, Islamic Azad University(Central Branch).
Etessam, Iraj; Professor of Architecture, Islamic Azad University(Science and Research Branch)
Faizi, Mohsen; Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology.
Gorji Mahlabani, Yousef; Professor of Architecture, Imam Khomeini International University.
Hashemnejad, Hashem; Associate Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology.
Khakhzand, Mehdi; Associate Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology
Mazaherian, Hamed; Associate Professor of Architecture, University of Tehran.
Memarian, Gholamhossein; Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology.
Mohammad Moradi, Asghar; Professor of Restoration, Iran University of Science & Technology.
Mozaffar, Farhang; Associate Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology.

External editorial board (in alphabetical order):
Azari, Rahman; Associate Professor of Architecture, Penn State University, USA.
Karimi, Pamela; Associate Professor of Art History, University of Massachusetts Dartmouth, USA.
Sharifi, Ayyoob; Associate Professor of Sustainable Urban Design & Development, Hiroshima University, Japan.
Sharifi, Ehsan; Lecturer of Sustainable Architecture, The University of Adelaide, Australia.
Taleghani, Mohammad; Senior Lecturer in Landscape Architecture, Leeds Beckett University, Leeds, UK.

Editorial Manager: Mehdi Khakhzand
Editorial Expert: Anahita Tabaeian (Ph.D Candidate in Urban Studies)

Vol. 12, No. 1, Spring & Summer 2021

Editorial Advisor: Iranian Scientific Association of Architecture & Urbanism

English Language Editor: Soad Sarihi, Ph.D Candidate in Architecture.

Page and Cover Designer: Anahita Tabaeian, Ph.D Candidate in Urban Studies.

Paging and Formating: Elham Mennati Moheb

Publisher: Iran University of Science and Technology

Number: 50 Issues

Price: 500000 Rls

Address: School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science & Technology (IUST), Narmak, Tehran, Iran.

Postal Code: 16846 - 13114

Email: iaau@iust.ac.ir

Web Site: https://www.isau.ir

Phone: +98 (21) 73228235

Fax: +98 (21) 77240468

Published articles are not necessarily the point of view of the journal and the responsibility of the articles lies with the respected authors.

This issue has been published with the support of the School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science & Technology (IUST).

Guide for Authors

We sincerely appreciate the authors' interest in choosing the scientific Journal of Iranian Architecture and Urbanism for publishing their scientific papers. Please read the authors' guide carefully to complete the judging and publication process.

1- The article must be derived from scientific research work and should not be previously published in any other journal or conference proceedings in the same or different languages. Authors are not allowed to submit their manuscripts simultaneously to more than one journal

2- We only receive research papers in our journal. Review papers are only received from experienced authors and architecture and urbanism pioneers, whose reviews revolve around the theoretical subjects in line with journal aims and perspectives.

3- Submission to this journal occurs online at http://www.isau.ir. Manuscripts submitted via email or in print are not processed.

4- Authors are responsible for the legal and scientific accuracy of their manuscripts. The scientific quarterly of "Journal of Iranian Architecture and Urbanism" reserves the right to reject, accept or edit manuscripts.

5- Submitted manuscripts that fall outside the scope and aims of the journal will be excluded from the evaluation process without external review, in the opinion of the editor(s) or editor-in-chief.

6- The official language of the publication is Persian. The manuscripts should be concise and correct in terms of grammar and writing style. The manuscript should not exceed the number of 17 pages (excluding abstract and references).

7- At least one faculty member must collaborate in the group of authors.

8- The author(s)' detail should only be included on a separate page entitled the author information page. The main body of the paper should not contain any identifying information, such as the authors' names.

9- Only one manuscript from each author can be processed at a time, and the processing of the second article is only possible when the full review of the first article has been completed.

10- In case the manuscript is derived from a thesis or dissertations, it is necessary to mention the name of the supervisor, the field of study, and the affiliation. Manuscripts derived from student theses and dissertations will be published jointly with the name of the supervisor, advisors, and the students. The supervisor is designated as the corresponding author.

11- It is necessary to adjust your manuscript using the template provided here.

12- Citations in the text and the bibliography should follow the APA referencing style. Download APA style here.

13- The costs will be received from the authors in different stages.

14- After the final and scientific acceptance of the manuscript, an extended English abstract, a visual abstract, a translation of the references, and a translation of tables and figures will be received for publication.

Journal of Iranian Architecture & Urbanism
(JIAU)
Print ISSN: 2228-589X
Online ISSN: 2645-7148

CONTENTS

Scientific Articles

The Role of Mental Schemata in Production of Space (Criticism of Lefebvre's Spatial Triad from the Perspective of Vygotskian School of Cognitive Psychology) 5
Behrad Farmahini Farahani, Mozaffar Sarrafi

The Modeling of ideation process in architectural design instruction by semiotic approach (Case study: Residential design) 23
Marzieh Etemadipour, Jamaleddin Mahdinejad

A meta-study of research related to urban and regional spatial structures in Iran; from 2001 to 2019 37
Neda Malekzadeh, Hashem Dadashpoor, Mojtaba Rafieian

Determination of biophilic design strategies that affecting the patients' health in hospitals 59
Ghazaal Zare, Mohsen Faizi, Mohammad Baharvand, Mohammad Reza Masnavi

The acceptable illumination level for office occupants in Tehran 79
Maryam Fakhari, Rima Fayaz, Maryam Mehravar

Determining the effective factors on promoting the "place attachment" for the residents of contemporary neighborhoods centers (Case study: Kooy-e-Asatid neigborhood in Yazd city) 93
Ali Riahi Dehkordi, Mahdi Montazerolhoja, Mojtaba Sharifnejad

Developing a model for spatial indicators of experimental learning and its application in designing learning environments 111
Nasrin Karimi, Morteza Khosronia, Sahel Dezhpasand

The optimum design of open and green spaces in educational complex to improve students perception and quality of educational environment (Case study: Girls high schools in Isfahan) 127
Seyedeh Marzieh Tabaeian

Development of iranian industrial design companies based on optimal advertising model 141
Sarah Saffari, Hasan Sadeghi Naeini, Ata Allah Abtahi, Seyed Jamaleddin Tabibi, Ali Akbar Farhangi

Hidden capabilities in historical farmstead of Niasar 157
Hosein Raie

Comparison of the architecture and urbanism students' approach to "Sustainable neighborhood" (Case study: Architecture and urbanism students of Shiraz university) 175
Maryam Roosta, Sara Daneshmand

The effect of physical and activity factors on creating sensory qualities in urban pedestrian ways (Case study: Kermanshah Taq-e Botan pedestrian way) 191
Baharak Babri Dehmajnoni, Mohammadmahdi Moghadasi, Omid Dezhdar

The effects of urban spaces smartification on citizens' perception of forming behaviore settings (Case study: Hafthoz square, Tehran) 207
Kiana Hashemi, Rama Ghalambordezfooly

Investigation and evaluation of architectural patterns in reducing the symptoms of Multiple Sclerosis (MS) patients 221
Mahdieh Tanhayi Ahari, Mohammad Ghomeishi

Analysis of the effective factors on strategic planning of heritage tourism (Case study: Tehran city) 237
Hamid Ghorbani, Abdoreza Rokneddin Eftekhari, Shams Sadat Zahedi, Seyed Saeid Hashemi

Evaluating the effective environmental factors on the satisfaction of patients and companions with the patient's rooms in Tehran hospitals 251
Hani Hadadzadegan, Zahra Sadat Zomorodian, Mohammad Tahsildoost, Shady Jami

Print ISSN: 2228-589X
Online ISSN: 2645-7148

JOURNAL of IRANIAN ARCHITECTURE & URBANISM

Spring & Summer 2021 Volume 12 /Number 1

Available online at www.isau.ir